

شهابی که بر خرمن شیاطین حریق افکند

غلامرضا گلی زواره

مشعل‌های درخشان

زمانی که تاریکی‌های ستم و جهالت، بصیرت انسان‌ها را در تنگنایی تهدید کننده، آشفته و پریشان قرار می‌دهد و ارزش‌های معنوی و فضیلت‌های سازنده توسط توفان‌های سنیه اختناق و استبداد، مورد تهاجم قرار می‌گیرد، فرزاندانی فداکار و دانشورانی وارسته و پارسا با مشعل درخشان خویش روشنایی می‌آفرینند و به مرزبانی از فضایل و مکارم پرداخته و با حرارت و فروغ خود، دشت‌های معرفت و اندیشه را به باروری، شکوفایی و طراوت می‌رسانند.

آن عالمان عامل در این مسیر هیچ گاه از پای ننشسته و لحظه‌ای خستگی را بر خود روا نمی‌بینند. آنانی که به معنای واقعی، دانشمند بوده و معارف ناب و حقایق جاوید، آمیزه‌ی جانشان گردیده و چشمه‌های تعهد و مسئولیت از اعماق وجودشان در حال جوشش است، همه‌ی موانع را از سر راه برمی‌دارند تا به جامعه نیرو بخشدند و نسلی مؤمن، کوشا، راستگوی و مشتاق مکارم عالی پرورش دهند.

پس، چه شایسته است که چهره‌هایی از این اسوه‌های پاک، فرازپایه و سازنده‌ی روح و روان در برابر علاقه‌مندان ترسیم گردد تا با مشاهده‌ی جلوه‌های راستی و

درستی مرزبانان دیانت و اخلاق، خود را چنان به مکارم و فضایل آراسته نمایند که ریشه هر ناروایی، نابسامانی فکری و رفتاری، ریاکاری، نفاق و جمود را نابود سازند. نگرستن به قله‌های مقاومت موجب می‌گردد که ناظران به خود آیند و بیدار شوند و بذره‌های عزت و عظمت در وجودشان به رویش درآید.

یکی از این شخصیت‌ها، مرجع بلندپایه، فقیه والامقام، حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی می‌باشد؛ فقیهی سترگ که ضمن گستردگی فکری، جامعیت علمی و توانایی‌های ممتاز، درک درستی از شرایط زمانه داشته، به واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی توجه می‌کرد و از سر صدق، دل‌سوزی و تعهد، برای پالایش آلودگی‌های فکری و اخلاقی تلاش می‌نمود. او ناروایی‌ها را برنتابید، تباهی‌ها را در حد توان زدود و ناهمواری‌های فضیلت‌سوز را هموار ساخت؛ روحی پرخروش که رودی خروشان جاری ساخت و جانی مشتعل که چون شراره‌های شهاب ثاقب بر خرمن شرارت‌های شیاطین حریق افکند.

آن مرد میدان فضیلت، منادی حقیقت بود و در این مسیر از قلبی مطمئن، دلی شجاع و عزمی استوار بهره داشت. ایمان و معنویت چون ستیغی سترگ، صلابت و قاطعیت را در وجودش جاری ساخت تا زوال فضیلت و پژمردگی حقیقت را مانع گردد و مرداب‌های ضلالت و باتلاق‌های انحراف را بخشکاند.

تابندگی خورشید مرجعیت در عرصه سیاست

نام این نامدار عرصه فقاقت، یادآور مرجعیت شیعه، زعامت امور مسلمین و اهتمام به فضیلت‌گستری است ضمن این که تلاش وافرش در کلام، حدیث، رجال، تراجم، انساب، کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی و پی افکندن کتابخانه‌ای بزرگ و کم‌نظیر در جهان اسلام و بی‌بدیل در سرزمین ایران، بوستان دانش و فضیلت را طراوتی دوباره بخشید. به موازات این مجاهدت‌های فکری و علمی، گام‌های آن فقیه اهل بیت در مسیر سیاست و عرصه‌های اجتماعی نیز از ارزش

فوق العاده‌ای برخوردار بود و آن چنان در این وادی از خود خیزش و خروش بروز داد که نیروهای امنیتی از افشاگری‌ها و روشننگری‌های او به شدت می‌هراسیدند. نفوذ معنوی او در میان اقشار گوناگون مردم و پیروی آنان از توصیه‌های وی در جهت رفع ناگواری‌ها و تصفیة آلودگی‌ها، همچنین صلابتش در انتقادهای شدید از مصوبات مفسده برانگیز رژیم استبداد، برنتابیدن نفوذ اجانب در سرنوشت جوامع اسلامی و عدم مماشات با کارگزاران ستم آنچنان برای ساواک تهدیدکننده بود که سخنرانی‌ها، دیدارها، ملاقات‌ها، مسافرت‌ها، ارتباطات و هر گونه فعالیت علمی و فرهنگی، حتی امور جزئی زندگی ایشان را تحت نظر و مراقبت‌های خاص قرار داد و از آنها گزارش‌های متعددی تهیه کرد. همچنان که نفوذ مردمی و اقتدار معنوی وی به موازات موضع‌گیری‌های سیاسی ایشان شدت می‌یافت، ساواک برای تضعیف این موقعیت‌ها، برنامه‌ها و نیرنگ‌هایی را به اجرا گذاشت اما جز ناکامی، محصولی به دست نیاورد.

اما به راستی چرا فرزانه‌ای چون آیت الله مرعشی که توانمندی‌های علمی و فکری فوق العاده‌ای داشت، به کوشش‌های علمی قناعت نکرد و تألیف و تحقیق و اهتمام آموزشی و پژوهشی، روح پرتکاپویش را آرام ننمود و همواره در صدد بود تا در برابر آفت‌های ویران‌کننده ارزش‌ها و علف‌های هرزی که به گلستان معرفت و فضیلت رخنه کرده‌اند، بایستد و برای محو آنها لحظه‌ای درنگ نورزد و حتی موقعیت ویژه خویش را در مخاطره قرار دهد؟ پاسخ این سوال در چند محور قابل طرح است:

در حدیث معروفی می‌خوانیم ان العلماء ورثة الانبیاء^۱ (دانشمندان وارثان پیامبرانند.) پیامبران بعد از برانگیخته شدن از میان مردم و بخصوص محرومان

۱. الکافی، کلینی، ج اول، ص ۳۲؛ الحیة، محمدرضا حکیمی و ...، ج ۲، ص ۲۳۴.

صالح، هرگز از آنان جدا نشدند و برای خویش زندگانی ساده و زاهدانه را برگزیدند و در این راستا هیچ گونه امتیازی برای خود قائل نگردیدند. آن فرستادگان الهی سراسر حیات پربار و برکت خویشتن را صرف بیدار کردن مردم، تعلیم و تربیت آنان و مبارزه با ناهمواری‌های اجتماعی نمودند تا موانع را از سر راه رشد انسان‌ها بردارند و نیل به سعادت را هموار گردانند.

تعلیمات پیامبران در برابر زورگویان و اهل استکبار، جهت‌گیری خصمانه و قاطع داشت و هرگاه آن مردان آسمانی برای هدایت مردم مصمم می‌گردیدند تحولی را در جهت امنیت سیاسی و مبارزه با تبعیض‌ها و طاغوت‌ها آغاز می‌کردند و همواره مصاف بین حق به رهبری انبیا و باطل به رهبری طاغوت در جریان بود. رسولان الهی در عین حال که ندای آزادی معنوی در پرتو ایمان به خدا را نوید می‌دادند، فریاد آزادی اجتماعی، عدالت و رسیدن به یک نظام متعادل را نیز بلند می‌کردند و در این راه رنج‌های بسیاری را تحمل کردند و آزارهای مشقت‌زایی را به جان خریدند.

هیچ کدام از فرستادگان حق و منادیان توحید در برابر جبار زمان ساکت و خاموش نبوده‌اند. عالمان ربانی نیز خصال انبیا را به ارث می‌برند و چنین افتخاری را نصیب خود می‌سازند. در این میان آیت الله مرعشی به خوبی از این میراث گرانقدر صیانت نمود و ضمن این که راه درست را برای مردم باز می‌گفت، کوشید آنان را از اسارت‌های فکری و بردگی‌های سیاسی برهاند تا بر روی پای خویش تکیه کنند و به سوی کمال و شرف و بزرگی گام بردارند.

رسول اکرم (ص) تأکید فرموده‌اند: الفقهاء امناء الرسول^۱ (عالمان دینی امانتداران رسولان الهی هستند). امانت آن بزرگواران محتوای رسالت است که

۱. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۲۱۶.

عالم و فقیه با برخورداری از آگاهی، معرفت و اقدام به موقع و عمل صالح در نشر و تبلیغ آن می‌کوشد و به هنگام هجوم سیاهی‌ها و پلیدی‌هایی که مانع از رویش نهال حق در سرزمین پاک نفوس می‌شوند، قیام می‌کند. حضرت علی (ع) درباره این وظیفه مهم نکاتی جالب، عمیق و مسئولیت‌آفرین را ترسیم فرموده‌اند. یکی از آن‌ها این سخن عظیم و دقیق است: و ما اخذالله علی العلماء ان لایقاروا علی کظه ظالم و لا تتعب مظلوم^۱ (و خداوند از دانشمندان تعهد گرفته است که با ستمگران قراری نداشته باشند و بر سیری آنان و گرسنگی مظلومان درنگ نکنند و تاب نیاورند).

مقام ولایت تشریحی و سرپرستی سیاسی پیامبر و امام و سپس علما که جانشینان راستین آن اسوه‌های ایمان و معرفت و فضیلتند از اهمیت بسزایی برخوردار است و همین ویژگی، اساس دیانت را صیانت می‌کند و از زوال و هلاک ارزش‌ها جلوگیری می‌کند و توجه به این امر، عالمان دینی را به مبارزه با حکومت‌های باطل و تشکیل حکومت حق و عدالت وا می‌دارد و نیز جامعه را از گزند هر گونه ضلالت و انحرافی حفظ می‌کند؛ عالمانی که از مبانی اسلام، قرآن و حدیث آگاهی عمیقی به دست آورده‌اند و نیز در تقوا و تعهد نمونه‌اند و در صداقت، اخلاص و عدالت، معیاری برجسته‌اند و آیت الله مرعشی از طلایه‌داران چنین کاروانی بود.

آن مرجع بلندپایه به پیوستگی نسبی با خاندان عترت افتخار می‌کرد ولی تنها این ویژگی را برای ارتباط با آن ستارگان فروزان آسمان امامت کافی ندانست و با پیمودن طریق ایمان و معرفت و پارسایی، محبتی ملکوتی را در درون خود شعله‌ور ساخت. وقتی دل را به مکارم عالی آراست، یک ارتباط توأم با اشتیاق و

قداست با آن رهبران الهی برقرار نمود و خالصانه‌ترین احساسات و عواطف را نثار آن فروغ‌های معنوی نمود. این ارتباط قلبی ضمن آن که وسیله جذب و جلب معنویات و نور گرفتن از خورشید معرفت ائمه گردید، جهت‌گیری‌های او را در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مشخص ساخت.

آیت الله مرعشی از طریق ذکر، عبادت، نیایش و تهجد به تزکیه درون و صفای باطن پرداخت. محصول این تلاش مداوم آن بود که وی را به پایگاه عظیم قدرت روحی و معنوی متصل ساخت تا جایی که تندباد حوادث قادر به ایجاد تلاطم در وجودش نبود. سلوک عرفانی آن فقیه پارسا و پرهیزگار به گونه‌ای نبود که پس از آراستگی درون به گوشه انزوا برود و عزلت برگزیند بلکه پس از این کامیابی ملکوتی مصمم گردید جامعه را نیز از ناروایی‌هایی که سد راه رشد و رستگاری هستند برهاند و گزینش چنین مسیری او را به مقابله با تهاجم فکری و فرهنگی رژیم شاهنشاهی فراخواند و عرفان حماسی او، حماسه‌ای پرشکوه را رقم زد.

شاگردانی که آیت الله مرعشی تربیت نمود غالباً در مبارزات سیاسی، حمایت از جنبش‌های اسلامی و همگامی و همراهی با نهضت امام خمینی، از پیشگامان و طلایه‌داران بودند و از جمله آنان شخصیت‌های ذیل قابل ذکراند: آیات محترم سید محمود طالقانی، علامه شهید مرتضی مطهری، شهاب‌الدین اشراقی (داماد امام خمینی)، سیدمصطفی خمینی، دکتر محمد مفتاح، شهید دکتر بهشتی، شهید صدوقی، شهید قاضی طباطبایی، امام موسی صدر، سیدمهدی یشربی، شیخ صادق احسان‌بخش، حسین نوری همدانی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، سیدجلال الدین طاهری، شیخ محمدرضا مهدوی کنی و ...

آیت الله مرعشی در خاندانی پا به عرصه وجود گذاشت که سابقه طولانی در مبارزات سیاسی داشتند به طوری که در نیاکان پدری و مادری وی، سیاست‌واژه‌ای غریب نبود.

آیت الله مرعشی سحرگاه پنجشنبه ۲۰ صفر ۱۳۱۵ ق / ۱۲۷۶ ش / ۱۸۹۷ م در نجف دیده به جهان گشود.^۱ ایام ولادتش مصادف با دورانی بود که دنیای اسلام و جهان تشیع در بازتاب مقاومت‌ها، مجاهدت‌ها و تلاش‌های سیاسی میرزا محمدحسن شیرازی و سیدجمال‌الدین اسدآبادی قرار داشت و ملت‌های مسلمان به لطف قیام‌های اصلاح طلبانه آنها به آگاهی و بیداری نسبی رسیده بودند.

ایام نوجوانی و جوانی ایشان نیز آغشته به حوادث گوناگون سیاسی بود؛ رویدادهایی که برخی استادان، اطرافیان و بستگان آن فقیه عالیقدر درگیر آنها بودند: انقلاب مشروطه که در سال ۱۲۸۴ ش به وقوع پیوست؛ به توپ بستن مجلس شورای ملی در ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶ (۱۲۸۶ ش)؛ صدور حکم خلع محمدعلی شاه قاجار توسط عالم بزرگ و مدرس برجسته نجف، مرحوم آخوند خراسانی در ۲۸ جمادی الثانی ۱۳۲۷ / ۲۳ تیر ۱۲۸۸؛ به شهادت رسیدن فقیه مجاهد و شیخ مشروطه، آیت الله فضل الله نوری در ۱۳ رجب ۱۳۲۷ و همچنین حادثه مهم جنگ جهانی اول که جهان اسلام را به شدت تحت تأثیر قرار داد. مجموعه این وقایع سبب گردید که آیت الله مرعشی نه فقط با نفرت به ستم و نیرنگ‌های بیگانگان بنگرد بلکه شخصاً برای دفاع از دیانت و مقاومت در برابر جرثومه‌های فساد و نابرابری به میدان عمل گام نهد و در این باره موضع‌گیری استواری از خود بروز دهد.^۲

آیت الله مرعشی هفده بهار را پشت سر نهاده بود که مشاهده نمود دولت استعمارگر بریتانیا به سرزمین عتبات عالیات (عراق) یورش برد و بندر فاو را تحت اشغال خویش درآورد. او به چشم خود دید که علمای شیعه درس و بحث و تحقیق و تألیف را رها کردند و به ابتکار خویش مردم را به جهاد و مبارزه علیه

۱. شهاب شریعت، علی رفیعی، ص ۱۲۲.

۲. مرزبان حماسه‌ها، محمدباقر بدوی، ص ۳۵ - ۳۴.

اشغال عراق و حمایت از دولت اسلامی عثمانی در نبرد مزبور فرا خواندند. سپس، این علما ضمن اقدام به بسیج اهالی شهرها و عشایر غیور و سازماندهی مجاهدین داوطلب و هدایت آنان به سوی جبهه‌های جنگ، عملاً در پیکار با دشمن شرکت کردند. در پی این حرکت، جهاد در شهرهای مقدس شیعه و مناطق عشایری جنبه عمومی به خود گرفت: در نجف علمایی چون سید محمد سعید حبوبی و سید محمدکاظم یزدی نقش بسزایی در این حرکت مهم داشتند؛ در کاظمین سید مهدی حیدری و شیخ مهدی خالصی مبارزات مردم را رهبری می‌کردند؛ و در سامرا میرزا محمدتقی شیرازی به وجوب جهاد علیه متجاوزین انگلیسی فتوا داد.^۱

در همین ایام، آیت الله مرعشی از موضوع مهم دیگری نیز غافل نبود و آن اینکه برخی عوامل استعماری و دلالتان یهودی، با تمام قوا و امکانات، میراث ارزشمند شیعه را با مبالغی اندک و حتی گاهی از طریق غارت و چپاول به چنگ آورده و از عراق خارج می‌کردند. او با تمامی توان کوشید این گوهرهای نفیس را که نسخه‌های خطی آثار مسلمین و شیعیان بود به دست آورد و در این راستا با مأموران مزدور حکومتی هم درگیر شد.^۲

آیت الله مرعشی به دلیل اصالت ایرانی و علاقه قلبی به سرزمین مادری و حضور در میان بستگان و آشنایان خویش، در سال ۱۳۰۱/۲۱ محرم الحرام ۱۳۴۲، با انگیزه زیارت امام هشتم و ملاقات با خویشاوندان و علما، از عراق به ایران مهاجرت کرد. ورود ایشان به ایران در حالی صورت گرفته که این سرزمین از عوارض مصیبت‌بار جنگ جهانی اول و توطئه‌های استکباری انگلیس و روس رنج می‌برد و مردم اگر چه رفته‌رفته از اختناق سیاسی قاجارها رهایی یافته بودند ولی فشار

۱. تاریخ حرکت اسلامی در عراق، عبدالرحیم الرهیمی، ترجمه محمدنبی ابراهیم، ص ۱۶۷ - ۱۶۱.

۲. چشم اندازی بر یکی از گنجینه‌های اسلامی، مجله پیام انقلاب، ش ۱۱۴، ۱۳۶۴/۷/۱۶، ص ۶۱.

کودتای نظامی رضاخان در سوم اسفند ۱۲۹۹ آنان را دچار بحران‌های نگران‌کننده سیاسی و اقتصادی ساخته بود. او ضمن اینکه از این وقایع رنج می‌برد، وقتی از نهضت میرزای جنگلی در گیلان، شیخ محمد خیابانی در تبریز و خطه آذربایجان، محمدتقی پسیان در خراسان، سید عبدالحسین لاری و رییس علی دلواری در جنوب خبرهایی به دست آورد، به این قیام‌ها و خیزش‌های مردمی به رهبری روحانیت و شخصیت‌های برجسته مباحثات می‌نمود.^۱ همچنین، زمانی که در تهران آیت الله شهید مدرس به مبارزه با استکبار و استبداد برخاسته بود، آیت الله مرعشی وارد پایتخت ایران شد و میهمان شهید مدرس گردید و شجاعت و استواری آن فقیه فرزانه را در برابر زورگویان داخلی و بیگانه ستود و خاطر نشان ساخت که زندگی آن عالم وارسته به سیره اهل بیت شباهت دارد.^۲

مرحوم آیت الله مرعشی در شهریور ۱۳۰۲ / شعبان ۱۳۴۳ به قم عزیمت نمود و در این دیار اقامت گزید و به عنوان مرجعی نامدار و پرآوازه در مرزبانی از باورهای فضل و فضیلت، کوششی بلیغ کرد. دو سال بعد از اقامت ایشان در این شهر، رضاخان با هماهنگی مزدوران داخلی و حمایت‌های همه جانبه اجانب به قدرت رسید تا پس از محکم نمودن پایه‌های حکومتش، نقشه‌ها و نیرنگ‌های بیگانگان و خصوصاً استعمار انگلستان را به اجرا درآورد. وی مؤسس سلسله‌ای شد که به مدت ۵۷ سال شرایط خفقان‌آور را بر مردم ایران تحمیل نمود و سایه‌های شوم خوف و وحشت را بر کشور حاکم ساخت.^۳

در آن ایام، اوضاع سیاسی به قدری تیره و تار بود که علما، بر حسب تجارب

۱. تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، علیرضا امینی، ص ۱۷ - ۱۵، نقش علما در سیاست، محسن بهشتی سرشت، ص ۳۰۱ - ۲۹۰.

۲. مرد روزگاران، علی مدرسی، ص ۴۴.

۳. در این زمینه بنگرید به کتاب علما و رژیم رضاشاه، حمید بصیرت‌منش.

قبلی، هر گونه اقدامی را برای حل اوضاع بی‌ثمر می‌دانستند و شخصیت‌های جوانتری هم که می‌خواستند موضع‌گیری کنند به احترام بزرگان حوزه، چنین مصالحتی را در نظر می‌گرفتند.

شهید آیت الله مدرس که چهره شاخص مخالف رضاخان در مقابل جناح تجددگرایان حامی طاغوت بود، کاری از پیش نبرد و پس از کنار گذاشته شدن وی از مجلس، دستگیر و به خوفاً تبعید گردید و سپس در کاشمر به شهادت رسید^۱ و شهادتش هشدار برای معترضین به رژیم بود.

ماجرای مهاجرت علمای اصفهان به قم در پاییز ۱۳۰۶ ش رژیم را با مشکلی جدی روبرو ساخت، اما با رحلت مشکوک رهبر قیام، حاج آقا نورالله اصفهانی، این حرکت ناکام ماند^۲ و ایستادگی آیت الله شیخ محمدتقی بافقی در برابر خانواده رضاخان در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) که شئون مذہبی و شعائر دینی را زیر پا نهاده بودند به ضرب و شتم، تبعید و شهادتش منجر گردید.^۳

آیات محترم میرزا صادق تبریزی و سید ابوالحسن انگجی که در خطه آذربایجان رهبری مخالفان رژیم رضاخان را عهده‌دار بودند، دستگیر و تبعید شدند.^۴ قیام گوهرشاد به صورتی ددمنشانه سرکوب گردید و ضربه‌ای هولناک بر علمای این قلمرو وارد ساخت و اقدام حاج آقا حسین قمی اگر چه شجاعانه بود ولی ناموفق ماند.^۵

۱. شهید مدرس ماه مجلس، غلامرضا گلی‌زواره، ص ۱۶۳ - ۱۵۴.

۲. گلشن ابرار، ج ۲، ص ۵۲۸.

۳. کاروان علم و عرفان، ج ۲، ص ۶۰ - ۵۱.

۴. علما و رژیم رضاخان، ص ۵۲۱.

۵. نک: قیام گوهرشاد، سینا واحد.

این برنامه‌ها و نیز انگیزه مصون نگاه داشتن حوزه علمیه قم از نابودی، عده‌ای از شخصیت‌ها را به نوعی اعتدال و حتی موضعی بی‌طرفانه وادار کرد که در رأس آنان باید از آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم نام برد.

در آیینۀ اسناد ساواک

نقطه عطف مبارزات مرجع بزرگ شیعیان، آیت الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، هم‌زمان با اوج‌گیری نهضت مردم مسلمان ایران به رهبری امام خمینی علیه نظام ستم‌شاهی بود. اخیراً مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات در یک مجموعه سه جلدی که بالغ بر بیش از دو هزار صفحه است اسناد مبارزات و مقاومت‌های سیاسی این فقیه سترگ را که از لابلاهای پرونده‌های به جای مانده از ساواک فراهم آورده و تنظیم نموده در تیراژ ۱۵۰۰ نسخه به طبع رسانده است. این پرونده، بیانگر تلاش و مجاهدت‌های این مرجع از یک سو و حساسیت و پیگیری ساواک در شناخت و احیاناً محدود نمودن مبارزات ضد استبدادی و استکباری ایشان از سوی دیگر است.

اسناد این مجموعه برگرفته از پرونده انفرادی آیت الله مرعشی در ساواک است که تصویر آن‌ها در کنار متن حروف‌چینی شده دیده می‌شود. مراقبت‌های این سازمان جهنمی از مرحوم مرعشی نجفی بدون وقفه و به انواع روش‌های امنیتی و عموماً جاسوسی انجام شده است. ساواک علاوه بر مراقبت از محل سکونت، محل تدریس، محل نماز جماعت، اماکن و مدارس ایشان، مراسلات پستی و رفت و آمدهای ایشان را در سفر و حضر زیر نظر داشته است. از آنجا که غالب اسناد، توسط منابع و عوامل مختلف ساواک به صورت گزارش‌های مقطعی و طی سال‌ها و در حوادث مختلف گزارش و بایگانی شده است، رسم الخط واحد و مشخصی ندارد که در این گونه موارد، برای حفظ اصالت سند، سعی شده اسناد به همان وضع موجود حروف‌چینی شود؛ البته صرفاً در مواردی نادر که غلط‌های

املائی آشکار بوده و یا برخی اجزای جملات و عبارات حذف گردیده و یا جمله‌بندی نارسا بوده کلمه صحیح در متن و کلمه غلط (که در سند بوده است) در پاورقی آورده شده و کلمه یا حرفی که مکمل جمله و یا ناخوانا بوده بین دو قلاب مشخص گردیده و از هر گونه ویرایش سند خودداری شده است. اگر چه ناقلان و راویان این گزارش‌ها و اسناد، یعنی عوامل ساواک، از نظر اخلاقی و اعتبار شخصیتی، افراد موجهی نبوده‌اند و نمی‌توان به اظهارات آنان اعتماد نمود، اما از آنجا که ساواک این گونه اسناد را برای استفاده‌های امنیتی و اطلاعاتی مورد نظرش با طبقه‌بندی خاص (شامل محرمانه، خیلی محرمانه، سری و به کلی سری) جمع‌آوری و بایگانی کرده و هیچگاه گمان نمی‌کرده که روزی از دایره تسلطش خارج شود، به همین جهت می‌تواند از اعتماد افزونتری بهره‌مند باشد.

ارتباط با فدائیان اسلام

نخستین سند که در ۱۳۳۸/۳/۲۳ ش تنظیم گردیده، حاوی گزارشی است از علت مسافرت آیت الله مرعشی به تهران که بر حسب ظاهر برای معالجه بوده، ولی در فیروزآباد شهرری، آیت الله سیدابوالقاسم کاشانی از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح این روز با ایشان ملاقاتی مفصل داشته است.^۱

آیت الله مرعشی با جمعیت فدائیان اسلام ارتباط صمیمی و عاطفی داشته و این رابطه به حدی عمیق بوده که شهید نواب صفوی در هر فرصت ممکن برای رفع دلتنگی‌ها به حضور ایشان مشرف می‌گردید و از وجودش آرامش روحی می‌گرفت.^۲ البته ارتباط مذکور به هیچ وجه یک طرفه نبود و آیت الله مرعشی از ابتدای فعالیت این جمعیت اسلامی، حمایت بی‌دریغ و پدرانۀ خویش را از

۱. آیت الله العظمی سیدشهاب الدین مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد

تاریخی وزارت اطلاعات، ج ۱، ص ۲.

۲. مرزبان حماسه‌ها، ص ۴۶ - ۴۵.

فدائیان اسلام دریغ نداشته و در هر مناسبت، به مقتضای وقت، از ارائه طریق به اعضایش، تأیید و تشویق آنها خودداری نمی نمود. این حمایت‌ها در آن روزگار شوم و شب سیاه اهریمن، ضمن ایجاد دلگرمی برای این جمعیت، فعالیت‌های سیاسی، اهداف و اعمالشان را مشروع جلوه می داد.^۱

آیت الله مرعشی ضمن اینکه سنگ صبور مشکلات سیاسی و اجتماعی تشکل مزبور بود، از کمک‌های معنوی و مادی به آنان امتناع نمی کرد و یک بار برای نجات شهید نواب صفوی از شر دژخیمان رژیم پهلوی، او را در منزل خویش مخفی ساخت و برای اینکه کسی از وجودش مطلع نگردد، برای نهار و شام، شخصاً از این روحانی مبارز پذیرایی می کرد. پس از شهادت نواب صفوی و دفن پیکرش در مسکراآباد تهران، جنازه وی توسط دوستانش به قم انتقال داده شد و مرحوم مرعشی، با وجود خطرات فراوان، قبری در وادی السلام قم برایش مهیا ساخت و وی را در آنجا به خاک سپرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به منظور تجلیل از این ایثارگران دوران مبارزه، یادشان را طی مجلسی گرامی داشت.^۲

مخالفت با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی

بعد از ارتحال دو عالم برجسته حوزه، حضرات آیات بروجردی و کاشانی، رژیم پهلوی دسیسه‌ای را علیه اعتقادات شیعه و شعائر دینی به اجرا گذاشت و در مهرماه سال ۱۳۴۱ ش لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را در هیأت دولت به تصویب رسانید که بر خلاف ماده دوازدهم قانون انتخابات و ماده یازدهم قانون اساسی، قید اسلام از شرایط انتخابات برداشته شد و زنان اجازه شرکت در انتخابات را یافتند و سوگند به کتاب آسمانی در مراسم تحلیف مجلس، جایگزین سوگند به قرآن شد. طراحان رژیم تصور می کردند که این طرح، علما را تحت فشار قرار می دهد، و

۱. هفته‌نامه نبرد ملت، ۱۳۵۷/۱۲/۲۶.

۲. مرزبان حماسه‌ها، ص ۴۹.

سکوت آنان در این باره مجوز شرعی برای کارنامه شاه محسوب می‌شود و اعتراضشان به لایحه مذکور با واکنش قشر زیادی از زنان همراه می‌شود. و در نتیجه، نظام استبدادی فرصت می‌یابد روحانیت را منزوی سازد.

آیت الله مرعشی نجفی در پاسخ به جمعی از بازاریان تهران و قم در این باره چنین موضع‌گیری کرد:

غائله اخذ آرا که اخیراً مورد بحث شده و موجبات ناراحتی ملت متدین ایران و عالم روحانیت را فراهم کرده و متأثر کرده است صحیح نیست بلکه جایز نیست شرعاً، کما اینکه این موضوع را در تهران ... به اولیای امور تذکر دادم و مجدداً به وظیفه شرعی عمل نموده و به اظهار نظر اقدام نمودم. امید است که اولیای امور در حفظ نوامیس الهی و مقدسات اسلامی کوشا بوده و از اجرای احکام شریعه خودداری ننمایند.^۱

ایشان در جای دیگر یادآور شد:

اما راجع به قانون. هر قانونی که بر خلاف قرآن مجید و مذهب امامیه باشد از نظر اسلام قانونیت نداشته ... امید است از این امر غیر مشروع صرف نظر شود ...^۲

در سند ۱۳۴۱/۹/۴ ساواک آمده است:

سید شهاب الدین مرعشی اعلامیه‌ای منتشر کرده که به ضمیمه تقدیم می‌گردد^۳

در گزارش ۱۳۴۱/۹/۵ متن تلگراف سوم آیت الله شهاب الدین مرعشی در جواب تلگراف نخست وزیر نفت، اسدالله علم، به شرح ذیل آمده است:

جای بسی تأسف است که مضمون تلگراف جنابعالی در جواب تلگراف

۱. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۵۱.

۲. همان، ص ۷۱.

۳. آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۳۰.

شهابی که بر خرمن شیاطین حریق افکند / ۱۰۷

حقیر راجع به لغو تصویب‌نامه دولت در تبدیل قسم به قرآن مجید به کتاب آسمانی و شرطیت اسلام در متخین و شرکت نسوان در انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی مبهم بوده و وافی به خواسته‌های شرعی جدی عموم علمای اعلام و قاطبه مسلمین ایران نیست؛ فلذا ... خواستارم هر چه زودتر لغو صریح این تصویب‌نامه را ... اعلام و به ناراحتی‌های عالم روحانیت و قاطبه مؤمنین خاتمه دهید که بیشتر از این تهییج افکار عمومی نگردد ...^۱.

تلگراف حضرت آیت الله نجفی خطاب به نخست وزیر به شرح زیر بوده است: ... رسمیت ندادن قرآن را در مراسم تحلیف بسی افکار عموم طبقات، بالاخص روحانیت، ناراحت و در اضطراب می‌باشند، لذا از باب خیرخواهی مستدعی است جداً و اکیداً از تصویب آن منع و از نشر چنین مقالاتی در جراید جلوگیری فرمایید ...^۲.

زمانی که شاه می‌خواست رفراندوم برگزار کند، عده‌ای از اصناف بازار تهران در ۲۱ ربیع المولود ۱۳۸۳ ق از آیت الله مرعشی خواستند با توجه به اوضاع فعلی و سلب آزادی از تمام طبقات و محدودیت کامل مراجع عظام و زندانی بودن رجال و سایر افراد کشور، نظر خود را درباره شرکت در انتخابات شاهانه مرقوم فرمایند. ایشان در پاسخ آنان نوشت:

با توجه به مراتب مذکوره فوق و نبودن آزادی چه در قلم و چه در بیان و محدودیت کامل در اقدامات دینی فقط و کارشکنی و حکومت سرنیزه و مقاصد سویی که اولیای امور در نظر دارند، شرکت در امر انتخابات [رفراندوم] به هر نحو و عنوانی باشد جایز نیست ...^۳.

گزارش یکی از افراد ساواک در ۱۳۴۱/۱۲/۵ نیز چنین است:

۱. همان، ج ۱، ص ۳۵.

۲. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج سوم، ص ۴۹.

۳. آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۵۵.

... روز جمعه این هفته در قم با آیت الله مرعشی ملاقات نمودم. وی درباره اظهارات شاهنشاه و اشاره معظم له به سپری شدن دوران مُفت خوری گفتند: ما چه مُفت خوری کرده ایم؟ جز این که قشون بی جیره و مواجب مملکت هستیم چه گناهی کرده ایم؟ درباره اصلاحات ارضی گفت: این کار لازم بود، ولی نه به صورت فعلی و خلع ید و مالکیت از همه مردم. [با توجه به اینکه] نفوذ کلامش در مجامع قم بسیار موثر است، با وجود این باید از خطر بزرگی که حوزه روحانیت قم خواهد داشت اولیای مسئول را متوجه کرد ...^۱

افشای ماهیت رژیم در فاجعه فیضیه

سردمداران پهلوی که در غرور و هیجان های کاذب خویش غرق بودند، متوجه خطری گردیدند که از جانب مراجع عظام و خصوصاً حوزه علمیه قم و به ویژه در ایام ماه مبارک رمضان آنان را تهدید می کرد. در همین راستا، به عوامل خود در سراسر کشور ابلاغ کردند که در این ماه با کوچک ترین اعتراض ها به شدت برخورد شود. امام، با توجه به دیوسیرتی حکام رژیم و جلوگیری از تلفات جانی، از عموم مردم خواست که مراسم ماه رمضان را در مساجد برگزار نکنند و با اعلام عزا در نوروز سال ۱۳۴۲، به دلیل مصادف گردیدن با سالروز شهادت امام صادق (ع)، از عموم علما و مراجع خواست دیدار و جلوس در این ایام سوگ و ماتم نداشته باشند. رژیم، در عکس العملی جنون آمیز، عصر دوم فروردین سال ۱۳۴۲ مدرسه فیضیه را که به دعوت آیت الله گلپایگانی در آن مجلس سوگواری به مناسبت سالگرد شهادت امام صادق (ع) منعقد گردیده بود، محاصره کرد و سوگواران را مورد یورش قرار داد. به دلیل مقاومت دلیرانه طلاب و روحانیون، مأموران وحشی موقتاً عقب نشینی کردند، اما لحظاتی دیگر با رسیدن نیروهای شهربانی، حملات مسلحانه را شدت بخشیدند و عده ای از طلاب را به شهادت

رسانیدند و با این رفتار بی‌رحمانه، هویت ضد دینی خود را نمایان ساختند.^۱ رژیم برای اینکه ضربه نهایی خود را به تشکل روحانیان وارد سازد، در بیستم فروردین همان سال در اقدامی دیگر، طلاب و روحانیون را به عنوان سرباز دستگیر و تحویل پادگان‌ها داد. بر خلاف تصورات رژیم، این اقدامات نه تنها موجب هراس و عقب‌نشینی علما نگردید، بلکه منجر به انسجام آنان و پیوستن به صف مبارزین شد. کارگزاران استبداد که متوجه رفتار نفرت‌انگیز و جنون‌آمیز خود شدند، خواستند با دروغ و تزویر اوضاع آشفته را به نفع خود آرام سازند. آیت الله مرعشی همگام با امام خمینی به این مسایل توجهی نکرد و در نهایت شجاعت با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن تأیید ارتکاب جنایت توسط مأموران دولتی (چون رژیم این جنایت را درگیری کشاورزان و کارگران با روحانیون جلوه داده و اعلام کرده بود که دخالت قوای دولتی برای برقراری نظم بوده است) رسماً اعلام نمود:

مراجع تقلید و عموم علمای اعلام قم، نجف و سایر بلاد با همفکری و وحدت نظر با پشتیبانی قاطبه ملت مسلمان ... تا سرحد شهادت در مقابل عملیات ناجوانمردانه و مخالف انسانیت استقامت نموده و دشمنان دین و ملت را تا پرتگاه دوزخ بدرقه می‌کنند.^۲

ایشان در جای دیگر هشدار داد:

مراجع تقلید شیعه و بزرگان اسلام، به وسیله اعلامیه‌های پی در پی، مسئولین امر را به مضرات این گونه عملیات گوشزد نموده‌اند، لیکن متأسفانه گوش به نصایح روحانیون و مراجع وقت نداده، بلکه در صدد خرابکاری و کارشکنی‌هایی علیه روحانیت برآمده که زیان آن ... اول عاید خود آنان خواهد شد.^۳

۱. تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، ج ۱، جواد منصوری، ص ۵۵۵ - ۵۵۴.

۲. همان مأخذ، سند شماره ۱۷.

۳. همان.

ایشان افزوده‌اند:

متأسفانه، مسئولین امر به جای جبران گذشته و مرهم‌گذاری به قلوب جریحه‌دار مسلمین و روحانیت ... محصلینی را که مورد نظر حضرت ولی عصر (عج) و حامی دین و استقلال مملکت می‌باشند مورد هجوم قرار داده‌اند.^۱

و به صراحت اعلام داشتند:

چنانچه اولیای امور از تصویب مواد مخالف شرع مطهر منصرف نشوند مراجع تقلید عموماً، مردم مسلمان ایران و جهان را به وظایف خود آشنا خواهد ساخت.^۲

آیت الله مرعشی، پس از چهل روز کمک معنوی و مادی به آسیب‌دیدگان جنایت فیضیه و موضوع‌گیری علیه رژیم در جلسات خصوصی و عمومی، هم‌زمان با امام خمینی، به مناسبت اربعین این فاجعه، اطلاعیه‌ی شدیداللحنی صادر کردند. در این نوشتار، مرحوم مرعشی کوشید جنبه‌های سوزناک حادثه‌ی مزبور را یادآور گردد تا مردم را در صحنه‌ی مقاومت و قیام نگه دارد. سپس، به تسلی آسیب‌دیدگان رویداد خونین مورد اشاره پرداخت و متذکر گردید که اعمال وحشیانه‌ی مزبور موجب تأثر شدید وی گردیده و به یاد آن عزیزان مقتول و شهید، اشک ریخته و با دلی سوزان از ساحت قدس الهی عظمت اسلام را مسئلت نموده است. ایشان در ادامه‌ی این اطلاعیه، گناه مزبور را غیر قابل بخشش ذکر کردند:

دنیای کنونی، این نحوه‌ی عملیات و شکنجه‌ها را از قبل مسئولین امر، جز اهمال و بی‌اعتنایی به قانون مقدس اسلام نمی‌تواند تفسیر کند و اولیای امور باید بدانند که این جرم از آنان غیر قابل عفو است و خدای قادر جلیل، انتقام آنان را خواهد گرفت ...^۳

۱. همان.

۲. همان، سند شماره ۱۸.

۳. همان، سند شماره ۱۹.

اعتراض به دستگیری امام خمینی

امام خمینی، بنا به اعلام قبلی، قرار بود که روز عاشورای سال ۱۳۸۳ ق سخنرانی داشته باشند، اما عمال رژیم کوشیدند، به هر شکل ممکن، مانع سخنرانی رهبر انقلاب گردند، اما ایشان با صراحت اعلام داشتند که همچنان بر تصمیم خود پابرجایند.

ساعت چهار بعد از ظهر در حالی که شهر قم از انبوه جمعیت موج می‌زد، امام از منزل بیرون آمده و به سوی مدرسه فیضیه رهسپار گردیدند و نطق تاریخی خود را که افشای هر چه بیشتر شاه و اربابانش بود ایراد فرمودند و مستقیماً شخص شاه را مورد حملات خود قرار دادند. این بیانات افشاگرانه، علاوه بر آنکه نقطه عطفی در تاریخ اسلامی به شمار می‌آمد، در حقیقت منشور نهضت اسلامی بود. ایشان آخرین کلام خود را در این سخنرانی بر زبان آوردند و اعلام داشتند هدف جنبش اسلامی سقوط رژیم پهلوی و مبارزه با صهیونیست‌ها و حفظ اسلام از خطر ناشی از اشغالگران قدس و استبداد حاکم بر ایران است.^۱

پس از سخنرانی امام در عصر عاشورا، مطابق با ۱۳ خرداد ۱۳۴۲، کماندوها و چتربازان رژیم در تاریکی شب وارد قم شدند و پس از مدت زمان اندکی اطراف منزل ایشان را به محاصره درآوردند و پس از دستگیری، امام را سوار اتومبیلی کردند و بدون توقف به باشگاه افسران بردند و از آنجا به پادگان قصر و پس از نوزده روز به پادگان عشرت آباد منتقل نمودند.^۲

آیت الله مرعشی نجفی طی اعلامیه‌ای به دستگیری امام خمینی اعتراض نمود

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۴۸ - ۲۴۳؛ گزیده انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، عباسعلی عمید زنجانی،

ص ۲۲۸؛ تاریخ معاصر ایران، گروهی از نویسندگان، ص ۱۸۵ - ۱۸۴.

۲. تاریخ معاصر ایران، ص ۱۸۸؛ تحلیلی از انقلاب اسلامی ایران، حاتم قادری، ص ۲۷.

و به مردم تذکر داد از حرارت خود نگاهند و حامی علما باشند.^۱

متن این اعلامیه که رژیم را در هراس و آشفتگی فرو برده بود چنین است:
مردم مسلمان غیور و با شهامت ایران و جهان بدانید که یکی از آیات
عظام و مجاهدین بزرگ عالم اسلامی را دستگاه جبار ... از خانه خود بیرون و
به جای نامعلومی برده است. وقاحت و بی‌شرمی و جسارت دولت به جایی
رسیده که به مراجع وقت حمله می‌کند. خدا گواه است که با این وضع
دلخراش، زندگی در این مملکت برای ما گوارا نخواهد بود ... ما تا آخرین
لحظه استقامت خواهیم ورزید. خون ما رنگین‌تر از خون برادر عزیزمان
حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی نیست و مادامی که ایشان را صحیح و
سالم به دست ما ندهند، دست از اقدام بر نمی‌داریم. تا آخرین قطره خون
خود از حریم اسلام و قرآن دفاع خواهیم کرد و چنانچه [اگر] یک مو از سر
عزیزمان کم شود دست به اقدامات دامنه‌داری زده و انشاءالله تعالی نخواهیم
گذاشت مویی از سرشان کم شود. حقیر و عموم علمای اعلام و قاطبه
مسلمین جهان در تعقیب این موضوع جداً اقدام خواهیم کرد.^۲

در گزارش ۱۳۴۲/۳/۲۷ ش ساواک آمده است:

مأمور نفوذی که در جلسه منزل آقای نجفی [مرعشی] در قم شرکت داشته
است اطلاع می‌دهد: در این جلسه تصمیم گرفته‌اند اعلامیه‌ای به چاپ
برسانند که در آن ضمن تشکر از مردم متدین که تا پای جان جانبداری از
علما نموده‌اند، یادآور بشوند ... ما در تماس با آقای [آیت الله سیدمحسن]
حکیم و [علمای] نجف هستیم. در صورتی که آقای خمینی را آزاد نکنند
دست به اقدام شدیدتری خواهیم زد و ذیل این اعلامیه را اغلب از علمای قم
امضا نمایند.^۳

۱. آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۷۲، ۸۳

۲. همان، ص ۸۷

۳. همان، ص ۸۹

آیت الله مرعشی به منظور پیگیری این مسایل و تلاش برای آزادی امام خمینی، روز ۲۶ خرداد ۱۳۴۲ وارد تهران شد و به طور موقت در منزل آیت الله سیداحمد خوانساری اقامت گزید. به محض ورود ایشان به منزل آیت الله خوانساری طبقات مختلف مردم به دیدارشان رفتند. قرار بر این بوده که علما در حضور مرحوم خوانساری درباره مسایل روز و از جمله آزادی امام و سایر اشخاص که اخیراً دستگیر گردیده و نیز رفتار دولت وقت در برخورد با روحانیت مجمعی را تشکیل دهند و تصمیمات لازم را اتخاذ کنند، اما ظاهراً به دلیل عدم اجماع، مذاکرات مزبور به جایی نرسید و تصمیم قاطع و تعیین کننده‌ای گرفته نشد.^۱

در عین حال، برخی مراجع و از جمله آیت الله مرعشی پیگیر جدی قضایا بودند و ایشان در تعقیب اعلامیه قبلی خود، در اطلاعیه‌ای دیگر حقایق را باز گفت و خاطر نشان ساخت:

هدف اصلی روحانیت جز جلوگیری از آنچه را بر خلاف شرع مطهر اسلام است نبوده و در این هدف مقدس، تمام آیات عظام ... با پشتیبانی قاطبه ملت مسلمان ایران و شیعه سهیم می‌باشند ... و از روز اول علمای اعلام و مراجع عالی مقام ... کراراً دولت را به نصایح خود متوجه و اعلام نمودند که هر چه زودتر با خواسته‌های مشروع عالم روحانیت موافقت نموده و باعث تشنج و برانگیخته شدن احساسات مردم نشوند. متأسفانه، مصادر امور کوچکترین موافقتی از خود نشان نداده، بلکه در مقام کارشکنی، ملت بی‌گناه و ستم دیده را با شدت عمل به خاک و خون کشیده و عده‌ای را در زندان‌ها تحت شکنجه قرار داده و روز به روز عواقب امر را وخیم‌تر می‌سازد. ... (آیا) آیت الله خمینی غیر از خواسته‌های عموم مراجع مطالبی داشت ...؟ یقیناً ایشان جز صلاح دین و مملکت منظوری نداشته‌اند. (آیا)

وجدان اجازه می‌دهد مردی را که در تمام مدت عمر به فکر ترویج دین و اصلاح جامعه باشد این نحو گرفتار شود.^۱

در ساعت ده شب روز دهم تیرماه ۱۳۴۲، وسایل زندگی آیت الله نجفی مرعشی از منزل آیت الله خوانساری به منزل جدید واقع در کوچه کدخدا در انتهای بازار عباس‌آباد منتقل گردید. طبق مدارک موجود، در مکان مزبور ملاقات‌ها و دید و بازدیدهایی با مرحوم مرعشی به عمل آمده و ایشان از اینکه برخی علما حاضر نبوده‌اند اعلامیه‌ای علیه دولت امضا نموده و در آن آزادی امام خمینی و طلاب علوم دینی را از سربازخانه‌ها خواستار گردند، گلایه کرده است.^۲

آیت الله مرعشی بار دیگر در دهم ربیع الاول ۱۳۸۳ اعلامیه‌ای انتشار داد و در آن خاطر نشان ساخت:

حکومت جبار، بر خلاف انسانیت و مدنیت، یکی از مراجع بزرگ تشیع، حضرت آیت الله امام خمینی، و عده‌ای از آیات و حجج و مبلغین و متدینین را به تهران آورده و در گوشه زندانی که برای مجرمین و خائنین مملکت ساخته شده جای داده ... حضرات علمای اعلام مراجع بزرگ شیعه در همان روز ... وقاحت و پرده‌داری و تجاوز علنی هیأت حاکمه [را] تحمل ننموده، بی‌درنگ از قم و مشهد مقدس و ... برای تعقیب هدف‌های مقدس دینی و معنوی خود و استخلاص حضرت آیت الله خمینی و سایر آیات و ... به مرکز مهاجرت نمودند تا عملاً نشان دهند منویات و منظور حضرت آیت الله خمینی و سایر آیات ... هدف واقعی عمومی مراجع شیعه ... است و نظری جز حفظ مبانی اسلام و استقلال مملکت نداشته و ندارند ... متأسفانه، هنوز نظرات شیعه و آنچه را که ملت در انتظار اوست تأمین نشده است ... گمان می‌کنند با زور سرنیزه می‌توان بر مردم حکومت کرد. جراید و

۱. همان، ص ۱۰۵ - ۱۰۴.

۲. همان، ص ۱۱۳.

روزنامه‌ها شدیداً سانسور و بسیاری از نامه‌ها و تلگراف‌ها به طور تحقیق نمی‌رسد. با این وصف، ادعا نیز می‌کنند قلوب بیست میلیون افراد مملکت با آنهاست. حقیر با صراحت به همه اعلام می‌کنم تا انحلال نامشروع و استخلاص حضرت آیت الله خمینی و آیات دیگر ... استقامت خواهد ورزید ... ملت ایران بدانید که من از این دولت جبار که موجب این همه قتل و کشتار مرد و زن و کودک و اسارت و زندانی هزاران افراد متدین و استقلال طلب را فراهم کرده است بیزارم.^۱

در سند ۱۳۴۲/۵/۲۱ ساواک آمده است:

«با وجود اینکه برای ملاقات آقای نجفی محدودیت‌هایی ... فراهم شده، مع هذا، طلاب و علما رفت و آمد زیاد در منزل نامبرده می‌نمایند کما اینکه روز ۱۳۴۲/۵/۱۷ چند نفر از طلاب قم در منزل آقای نجفی به جمعیت طلبه‌ها و روحانیون اضافه شده و جلسه تشکیل دادند. در این جلسه مذاکره شده است که وضعیت انتخابات به صورت انتخابات گذشته در کاشان باشد ... (یعنی در انتخابات فعلی هم بایستی عموم طرفداران علما ... کارت‌های الکتروال را با ارائه شناسنامه تحویل گیرند ولی از دادن رأی خودداری کنند ... (تا) تعداد کسانی که رأی نداده‌اند و طرفدار [امام] خمینی می‌باشند معلوم شود که با در دست داشتن اکثریت آرا بتوانند ابطال انتخابات را اعلام نمایند).^۲»

در این ایام، ساواک در اعلامیه‌ای که در جراید رسمی درج نمود چنین اشاعه داد که بین مقامات انتظامی و حضرات آقایان قمی و خمینی تفاهمی حاصل گردیده مبنی بر اینکه ایشان در امور سیاسی مداخله نکنند و از این تفاهم اطمینان حاصل گردیده است که آقایان بر خلاف مصالح کشور عملی انجام نخواهند داد. آیت الله مرعشی که یقین داشت چنین ادعاهایی کذب محض است در اعلامیه‌ای رسمی، آن را مصداقی از جعل اخبار و اکاذیب و شایعه‌سازی تلقی نمود و پس

۱. همان، ص ۱۳۰.

۲. همان، ص ۱۵۳.

از تجزیه و تحلیل متن آن، خاطر نشان ساخت:

می توان به خوبی دریافت که موضوع متن اعلامیه ساختگی و بکلی بی اساس و به هیچ وجه مقرون به حقیقت نمی تواند باشد. بزودی - انشاء الله - پرده از روی صحنه سازی ها برداشته شده و حقایق بر عموم مردم مسلمان ایران و جهان کشف خواهد شد.^۱

در گزارش ۱۳۴۲/۵/۲۷ ساواک، ضمن اشاره به ادامه دید و بازدیدها در خانه موقت آیت الله نجفی مرعشی در تهران، آمده است:

نظریه: اگر رفت و آمد روحانیون به منزل نجفی به همین نحو ادامه یابد به نظر می رسد موجب تقویت روحانیون خواهد شد.^۲

تحریم انتخابات

رژیم پهلوی برای انحراف افکار عمومی و متفرق کردن صفوف متحد روحانیت و مردم مسلمان ایران، در هنگامی که رهبر استوار نهضت در بازداشت به سر می برد و مبارزات مراجع و روحانیت مبارز را رژیم با تمام قدرت تحت کنترل درآورده بود، طرح اجرای انتخابات دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی را به اجرا گذاشت. هدف دیکتاتور ایران از برگزاری این انتخابات علاوه بر موارد فوق، رسمیت دادن به مصوبات استعماری ای بود که قبلاً آنها را به تصویب دولت رسانیده بود. با این توضیحات، آیت الله مرعشی و دیگر مراجع و علما که جهت اعتراض به بازداشت حضرت امام خمینی و علمای دیگر و نیز پیگیری جوانب نهضت اسلامی به تهران آمده بودند، عقیده داشتند انتخابات فرمایشی رژیم با زور و تسلط حکومت نظامی می خواهد به اجرا در آید و بر خلاف قانون اساسی است، چرا که اجرای مصوبات، طبق قانون، منوط به حضور پنج تن از

۱. همان، ص ۱۶۲ - ۱۶۱.

۲. همان، ص ۱۶۹.

مجتهدان و تصویب آنان است.

اصناف بازار تهران درباره شرکت در انتخابات از آیت الله مرعشی کسب تکلیف کردند و ایشان در پاسخ آنان نوشت:

این موضوع از حقیر به طرق مختلف از شهرستان‌ها سؤال شده و جوابی که نوشته شده به قرار ذیل است: با توجه به ... نبودن آزادی چه در قلم و چه در بیان و محدودیت کامل در اقدامات دینی فقط و کارشکنی‌ها و حکومت سرنیزه و مقاصد سوئی که اولیای امور در نظر دارند ... معاونت و شرکت در امر انتخابات به هر نحو و عنوانی باشد جایز نیست. در خاتمه از حضرت ولی عصر - روحی له الفدا - استمداد کرده، سعادت و توفیق و اصلاح امور مسلمین را از خداوند متعال خواهانم - ۲۱ ربیع المولود ۱۳۸۳ -^۱.

در سند ۱۳۴۲/۵/۲۷ ساواک، ضمن اشاره به جوابیه مذکور، هراس ساواک از اقتدار آیت الله مرعشی کاملاً مشخص است:

وجود آیت الله نجفی در وسط بازار و آزادی عملی که در ملاقات با معممین و روحانیون دارد موجبات تقویت او را فراهم آورده و چنانکه مشهود است از هیچ گونه مخالفتی با خواسته‌های دولت کوتاهی نمی‌نماید.^۲
خوف کارگزاران ستم از موضع‌گیری منفی آیت الله مرعشی درباره انتخابات در گزارش فرماندار قم که برای مقامات بالاتر و احیاناً ساواک ارسال نموده کاملاً مشهود است:

در افواه چنین شایع است که علاوه بر آقای نجفی، آقایان علما و روحانیون دیگر هم اعلامیه برای تحریم انتخابات صادر خواهند کرد و اگر چنین شود در شوق و رغبت و استقبال آنهایی که به این قبیل اعلامیه‌ها توجهی دارند تزلزل ایجاد خواهد کرد.^۳

۱. همان، ص ۱۷۲.

۲. همان، ص ۱۷۳.

۳. همان، ص ۱۷۶ - ۱۷۵.

بر اساس سند ۱۳۴۲/۶/۲۳ ساواک، آیت الله مرعشی تصمیم گرفت برای دوری از فضای انتخابات به مشهد عزیمت نماید تا در روز ۲۶ شهریور که زمان اخذ رأی است در تهران نباشد. همچنین، به استناد گزارش ۱۳۴۲/۶/۲ ساواک، آیت الله مرعشی ساعت ۹/۴۵ وارد مشهد شد و در فرودگاه این شهر حدود دو هزار نفر از وی استقبال نمودند.

ایشان بعد از ورود به مشهد در منزل آیت الله میلانی به استراحت پرداخت و عده‌ای از طبقات مختلف طلاب و وعاظ از وی دیدن نمودند و ایشان جهت برگزاری نماز ظهر به حرم مشرف گردیدند.

از آن سوی، آیت الله میلانی که در تهران اقامت داشت به آیت الله مرعشی نامه‌ای نوشت و طی آن از ایشان خواست بدون درنگ به تهران بیاید. در این مکتوب اضافه گردیده طرح تظاهرات بسیار وسیعی برای روز افتتاح مجلس شورای ملی و سنا از سوی اقشار گوناگون ریخته شده است. طبق گزارش مأمور نفوذی، وقتی آیت الله مرعشی نامه مذکور را مطالعه کرد، اظهار داشت باید هر چه زودتر به تهران برگردم و از نتیجه اقدامات روحانیان در مرکز مطلع شوم و امکان دارد در روز افتتاح مجلس اقداماتی صورت گیرد.^۱

سرانجام، ایشان در دوم مهرماه سال ۱۳۴۲ با هواپیما از مشهد به تهران مراجعت نمود و در نهم مهرماه اعلامیه‌ای را صادر نمود که در آن آمده بود:

ملت غیور و مردم مسلمان ایران! ... دولت جبار و قانون‌شکن همچنان به رفتار ظالمانه خود ادامه داده و شعارش بی‌اعتنایی به قوانین اسلام ... شده است و با ارتکاب خلاف قانون مردم مسلمان را به هیجان آورده و دانسته یا ندانسته مملکت را به پرتگاه نیستی و فنا نزدیک‌تر می‌سازد و چنین تصور می‌کند اگر پس از گرفتاری مرجع عالیقدر حضرت آیت الله خمینی، مرجع

۱. سند شماره ۷۱۸۸ - ۱۳۴۲/۷/۱، همان، ج ۱، ص ۲۱۷.

عالیقدر آیت الله میلانی را در منزلش زندانی کرده و ارتباط معظم له را با اجتماع قطع کند، می تواند در ثبات و استقامت روحانیت و ملت مسلمان ... خللی وارد کند ...

حقیر لازم می دانم، ضمن اظهار تنفر از این اعمال غیر انسانی، برای اعتراض نسبت به مظالم و فجایع بی شمار دستگاه حاکمه که منجر به این اوضاع مفتضح و انتخابات رسوا شده است، مردم شریف ایران روز شنبه ۱۶ جمادی الاول برابر با ۱۳ مهرماه از صبح تا ظهر را اعتصاب و تعطیل عمومی بنمایند.^۱

یادآور می شود که رژیم پهلوی بعد از برگزاری انتخابات فرمایشی، ۱۴ مهر ۱۳۴۲ را روز افتتاح مجلس بیست و یکم اعلام کرد و آیت الله مرعشی بعد از آگاهی از این موضوع با انتشار اعلامیه مهمی که بخش هایی از آن درج گردید به افشای طرح و نقشه های رژیم پرداخت.

مأموران ساواک که نتوانستند شراره های شهاب را تحمل کنند، سحرگاه روز ۱۵ مهر ۱۳۴۲ به محل اقامت ایشان در تهران هجوم آوردند و معظم له را با وضع اهانت آمیزی مجبور به خروج از محل اقامت نمودند و با زور و تهدید، ایشان را مجبور کردند در صندلی عقب اتومبیل خوابیده و پس از چهار ماه مبارزه علیه توطئه های استبدادی و استعماری اجباراً به قم بازگردند.

ایشان، پس از ورود اجباری به قم، با انتشار اعلامیه مهمی خطاب به ملت مسلمان ایران با تجلیل از مبارزات و مجاهدت آنان بار دیگر مظالم و فجایع حکومت غیر قانونی پهلوی را افشا نمود.

اینک فرازهایی از این سند استقامت آن مرجع عالیقدر:

تعطیلی روز شنبه ۱۶ جمادی الاول برابر ۱۳ مهر ماه [۱۳۴۲] به دنیا نشان داد که مردم ایران از مجلس فعلی متنفرند، زیرا مجلس شورا فعلاً به صورت

۱. این اعلامیه ضمیمه سند ۶۸۴۰/م الف ۱۱، ۱۳/۷/۱۳۴۲ ساواک قرار دارد و متن آن در مأخذ قبل، ج ۱، ص ۲۲۴ - ۲۲۳ آمده است.

غیر شرعی و غیر قانونی مبدل و مفهوم انتخابات به معنای انتصابات در آمده و منصوبین آن بر خلاف مقررات اسلام، از فتاوی مراجع تقلید سرپیچی کرده‌اند. با چنین وصف، از نظر قانون نیز رسمیت نداشته و الزام‌آور نخواهد بود
 هیأت حاکمه بداند تهدید و زور و وادار به متفرق نمودن علمای اعلام از تهران به شهرستان‌ها موجب سستی و کوچک‌ترین خللی در اراده و اصل مبارزه آنها نخواهد بود

مفهوم ترقی در ایران: زندانی کردن مراجع و رجال و دانشمندان ... سلب اعتبار بازار و فلج کردن اقتصادیات ... بر حجم فحشا و منکر افزودن و ممانعت از تهذیب اخلاق و تشکیل مجالس وعظ و تبلیغات مذهبی ... سلب آزادی فکر و احساسات آیات عظام و اساتید محترم دانشگاه ... آری مملکت ما اکنون با وجود خفقان فعلی ... به صورت زندان عمومی در آمده است
 عالم روحانیت به دنبال اقدامات دینی و مجاهدات و سعی در استخلاص حضرت آیت الله آقای خمینی و آیت الله قمی - دامت برکاتهم - از تعقیب هدف مقدس و مشروع خویش خودداری نکرده و به مبارزات خود ادامه خواهد داد.^۱

آیت الله مرعشی در نامه ۱۳۴۲/۸/۱۸ ش که برای محمدرضا نوغانی^۲ (ساکن مشهد) فرستاده، بار دیگر کارنامه دولت رژیم دیکتاتور را مورد انتقاد شدید قرار داده و متذکر گردیده است:

بی‌فکری هیأت حاکمه و جنایات و وحشیگری دولت جابر بر احدی مخفی نیست. حقیر - انشاء الله - از هیچ گونه اقدامات دریغ نکرده و نخواهم کرد.^۳

۱. اعلامیه مذکور ضمیمه سند ۱۵۲۸/ ق م که گزارش ساواک قم به ریاست ساواک تهران می‌باشد، آمده است، همان، ج ۱، ص ۲۶۱ - ۲۵۹.

۲. درباره فعالیت‌ها و فرجام وی نک: به کتاب تقویم تاریخ خراسان از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، سیدعلی میرنیا با همکاری حسن طاهری و عباسعلی قلی‌زاده، ص ۱۷۱ - ۱۴۵ و نیز پاورقی سند ۱۳۴۴/۲/۱۹، مأخذ فوق، ج ۱، ص ۲۶۷.

۳. سند شماره ۱۳۴۲/۱۸/۴۰۲، آیت الله العظمی مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۲۶۶.

شهابی که بر خرمن شیاطین حریق افکند / ۱۲۱

در سند ش ۱۳۴۲/۲۹/۲۰/۹۳۷۸ که ساواک قم برای تهران ارسال نموده چنین می‌خوانیم:

آیت الله مرعشی نجفی اعلامیه‌ای مبنی بر اظهار تأسف و بازداشت آیت الله خمینی و قمی و نیز محاکمه نمودن چند نفر از اساتید دانشگاه و دستگیر کردن چند نفر از وعاظ آذربایجان، روز جاری در قم منتشر نموده و اعلام کرده به همین مناسبت روز عید مبعث را در منزل برای دیدن مردم نخواهد نشست.^۱

در فرازی از اعلامیه مزبور که در ۲۲ رجب المرجب ۱۳۸۳/۶ آذر ۱۳۴۲ صادر گردیده، آمده است:

هنوز حادثه اسفناک گرفتاری حضرت آیت الله خمینی و ... از یاد مردم نرفته و در مرکز تحت مراقبت شدید به سر می‌برند. غائله مشهد را ایجاد و در طول این جریان‌ات عجیب به محاکمه رجال و اساتید محترم دانشگاه اقدام و صفحات تاریخ را لکه‌دار می‌نمایند. باز هم اکتفا نکرده و چند روزی است که عده‌ای از علمای اعلام و خطبای گرام آذربایجان ... را به جرم حق‌گویی و پشتیبانی از عالم اسلام دستگیر و به تهران اعزام نموده‌اند. حقیر از غائله اخیر آذربایجان به شدت متأثر و جهت این پیشامد ناگوار حوزه درس را روز شنبه تعطیل و روز مبارک مبعث - عید بزرگ اسلامی - را جلوس نخواهم نمود ...^۲

ایشان در یک ملاقات خصوصی که در ۱۳۴۲/۱۱/۳۰ در قم با او به عمل آمد، ضمن ابراز نگرانی شدید از بابت عدم آزادی امام خمینی و پاره‌ای مسایل که کارگزاران رژیم بر خلاف موازین شرعی مطرح می‌سازند، طرح جدید وزارت فرهنگ وقت درباره نظام وظیفه طلاب^۳ را مورد انتقاد قرار داد و افزود:

اجرای این طرح موجب ناراحتی جدیدی خواهد شد و اصولاً اتخاذ هر

۱. همان، ص ۲۷۰.

۲. همان، ص ۲۷۶.

۳. در این باره بنگرید به کتاب کوثر، ج ۱، ص ۲۶۵؛ ایران و تاریخ، بهرام افراسیابی، ص ۳۸۲.

تصمیمی در مورد نظام وظیفه طلاب، بدون آزادی و مشورت آیت الله خمینی و شرکت سایر مراجع، بدون فایده است.^۱

عده‌ای از اهالی آذربایجان از آیت الله مرعشی درباره‌ی وظیفه شرعی خود در مقابل دستگاه فاسد هیأت حاکمه ایران استفتاء نمودند که ایشان پاسخ دادند:
... چنانچه در اعلامیه‌ها گوشزد نموده‌ام، وظیفه شرعی قاطبه مسلمین در مقابل تجاوز و تعدی به حریم مقدس اسلام، استقامت و نهی از منکرات است و تا حصول نتیجه نهایی قطعی و الغای امر ضد دینی تعقیب جدی به عمل خواهد آمد ... ۲۲ ذیقعدة الحرام ۱۳۸۳^۲

مخالفت با حق قضاوت کنسولی

در آن ایام دولت استکباری آمریکا در ارتش ایران هزاران مستشار نظامی داشت و در صدد بود که آنان از قید و بند قوانین و مقررات دادگاه‌های ایران آزاد باشند. بدین جهت، دولت ایران را تحت فشار قرار داد تا تمامی کارکنان نظامی و حتی مستخدمین غیر نظامی و خانواده‌های آنان را که در ایران زندگی می‌کنند از مصونیت لازم و معافیت‌های قرارداد وین که مربوط به مأموران سیاسی کشوری در کشور دیگر است، برخوردار سازد. دولت ایران که در برابر آمریکا مطیع بود و از خود اراده‌ای نداشت، ماده‌ی واحده‌ای همراه قرارداد وین نمود و از مجلس خواست آن را تصویب کند که به صورت نیمه مخفی ابتدا در مجلس سنا و سپس در ۲۱ مهر ۱۳۴۳ در مجلس شورای ملی به تصویب رسید.^۳ امام خمینی در مقابل این قانون ننگین و خفت‌بار که استقلال سیاسی ایران را مورد تهدید قرار می‌داد عکس العمل شدیدی نشان دادند و در سخنرانی چهارم آبان ماه همان

۱. آیت الله مرعشی ... به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۲۹۳ - ۲۹۲.

۲. همان، ج اول، ص ۳۰۵ - ۳۰۴.

۳. تاریخ سیاسی معاصر ایران، سید جلال‌الدین مدنی، ج ۲، فصل ۲۲؛ تاریخ معاصر ایران، گروهی از نویسندگان، ص ۲۰۲ - ۲۰۱.

سال، در جمع زیادی از مردم قم و سایر شهرها، طی بیانات مهمی حقایق را در این ارتباط افشا نموده و تأکید کردند تمام رفتاری ما از آمریکا و اسرائیل است و از علما و روحانیان و عموم اقشار مردم خواست به این خیانت آشکار که عزت ایران را پایمال می‌کند و عظمت امت مسلمان را از بین می‌برد اعتراض کنند. رژیم شاه که در برابر مخالفت صریح و قاطع امام سرگردان و گیج شده بود، تصمیم گرفت ایشان را شبانه دستگیر نموده، به تهران آورده و به ترکیه تبعید کند.^۱

آیت الله مرعشی نجفی علیه کاپیتولاسیون (حق قضاوت کنسولی) موضع‌گیری شدیدی کرد و زمانی که امام تشکیل جلسه‌ای از علمای قم را در تاریخ دوم آبان ۱۳۴۳ خواستار شد، بر خلاف بزرگانی از مراجع قم، در آن حضور یافت و در جلسات مشابه نیز شرکت کرد. همچنین، با وجود کسالت، همزمان و همگام با امام، طی سخنانی در بیرون بیت خویش علیه مصوبه مصونیت آمریکایی‌ها موضع گرفت.^۲ اینک گزیده‌ای از سخنرانی آیت الله نجفی را می‌خوانیم که ضمیمه سند شماره ۱۸۸۰۳ / ۲۰ الف / ۱۳۴۳/۸/۳۰ ساواک آمده است:

تصویبات غیرمشروعه، یعنی مصونیت مستشاران آمریکایی، بسیار مایه تأسف است. نمی‌دانم چه موجباتی فراهم گردید که این قانون منحوس را بار دیگر در مجلسین ایران، علی‌رغم انف تمایلات تمام ملت شریف ایران، بالاخص جامعه روحانیت تصویب نمودند. آخر در کجای دنیا سابقه دارد که برای ذلت و بردگی یک ملت محروم، همچون قانون وحشیانه‌ای را وضع کنند ... من یقین دارم که عقلای دنیا به وضع رجال ایران خندیده و این نوع تصویبات را رجوع به قهقرا و ارتجاع سیاه تفسیر خواهند کرد.

من از عموم طبقات ملت ایران استمداد می‌کنم که بیش از این صبر و

۱. صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۱۴ - ۴۰۹؛ بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، سیدحمید روحانی، ج ۱، ص ۵۲۸ - ۵۰۶.

۲. زندگی سیاسی امام خمینی، محمدحسن رجبی، ج ۱، ص ۲۴۹؛ مرزبان حماسه‌ها، ص ۱۱۰.

تحمل نکنند و برای حفظ دین و استقلال مملکت خود، اعتراض و انزجار خود را ابراز نمایند ... بر افرادی که در این جنایت بزرگ و قانون تحمیلی مخالفت کرده‌اند، لازم است از دین مقدس اسلام و مصالح کشور دفاع کنند و نگذارند بیش از این به نوامیس دینی و ملی تجاوز شود ...^۱

آیت الله مرعشی نجفی، پیرو تبعید امام خمینی به ترکیه، با حضور عده‌ای از علما و روحانیان در منزل خویش جلسه‌ای تشکیل داد. این جمع تصمیم گرفتند که از حسین قدس نخعی، وزیر دربار شاهنشاهی دعوت کنند و موضوع تبعید امام خمینی را با ایشان در میان بگذارند و در صورتی که به تقاضای آنان مبنی بر رفع این ضایعه رسیدگی نشود، به سازمان ملل متحد شکایت کنند.^۲

ایشان در پاسخ به تلگراف آیت الله میلانی یادآور گردید:

واقعاً جای تاسف است در مملکتی که طبق قانون، مراجع وقت مصونیت دارند، به جهت اعتراض به بعضی از لوایح غیر شرعی، به خارج از کشور تبعید می‌شوند و مورد تهمت‌های ناروا قرار می‌گیرند و آقازاده معظم له را که در منزل حقیر بود، از دیوار منزل ریخته، با وضع اسفناکی دستگیر می‌کنند. همه می‌دانند که عالم روحانیت و مراجع عظام، اولین حامی مبانی دین و استقلال تمامیت ارضی مملکت بوده‌[اند] و در ادوار حساس، مملکت اسلامی و شیعه ایران را از ورطه سقوط و افتادن به دست بیگانگان نجات داده‌اند. واقعاً خنده‌آور است که مجلسین، عوض اینکه به فکر بیچارگی مردم باشند، زبان به هتاک‌های یکی از شخصیت‌های بزرگ اسلامی و مراجع دین و عالم روحانیت می‌گشایند و بعضی مطالب اظهار می‌کنند که به مضار آن توجه ندارند. البته، ملت مسلمان ایران کاملاً قضاوت می‌کنند و حق را از باطل تشخیص می‌دهند ... در خاتمه، عظمت اسلام و مسلمین و استخلاص

۱. آیت الله مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۳۸۷ - ۳۸۱.

۲. همان، ص ۳۵۸، سند شماره ۲۷۶۹ - ۱۳۴۳/۸/۲۱.

حضرت آیت الله خمینی ... را از خداوند مسئلت می‌نمایم.^۱
یادآور می‌گردد فرزند ارشد امام، شهید سید مصطفی خمینی، که قصد داشت موضوع دستگیری امام را به اطلاع عموم برساند، بنا به درخواست آیت الله مرعشی، خود را از طریقی غیرمتداول به منزل معظم له رساند تا ضمن گزارشی از حادثه شب گذشته، در خصوص چگونگی اعتراض و ادامه مبارزه با آقا تبادل نظر نماید.^۲ اما کارگزاران استبداد که تصمیم داشتند هر گونه اثری را که به امام ارتباط دارد محو سازند، بدون ملاحظه مصونیت مراجع، با انواع سلاح گرم به بیت آیت الله مرعشی یورش بردند و در برابر مقاومت و ممانعت ایشان با مشت به سینه آن فقیه مبارز زده و حاج آقا مصطفی را دستگیر می‌کنند. آن شهید طی بازجویی خاطر نشان ساخت:

نظر به اینکه رفت و آمد از کوچه رسمی منزل ایشان ممنوع بود، خادم ایشان من را از درب دیگری وارد منزل کرد ... [آیت الله مرعشی] فرموده‌اند ممکن است شما را هم این مرتبه بگیرند، لذا چند روزی اینجا باشید که اگر خواستند شما را بگیرند من هم با شما بیایم. در این گیرودار بود که آقای رضوی که از اعضای سازمان امنیت است با جماعتی قریب بیست نفر به اندرون منزل ایشان، روز روشن بدون اجازه صاحب منزل، حمله آورده، با داشتن بعضی حالات حربیه، خطاب به من که بفرمایید ...^۳

بعد از این وضع وهن‌انگیز، آیت الله مرعشی عازم حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) گردید و با بلندگو مردم را به تظاهرات و تحصن فراخواند، تا بار دیگر با ایجاد هیجانی جدید، سبب تعطیلی شهر و اعتصابی فراگیر شود.^۴
در ۱۳۴۸/۸/۲۴، آیت الله مرعشی تلگرافی از قم به آنکارا برای حضرت امام

۱. همان، ص ۳۶۸ و ۳۶۹، سند شماره ۵۴۹۱ / ۱۳۴۳/۸/۲۴.

۲. ستاره صبح انقلاب، روح الله حسینیان، ص ۵۶.

۳. راز توفان (یادنامه آیت الله سید مصطفی خمینی)، ص ۹۹ - ۹۸.

۴. مرزبان حماسه‌ها، ص ۱۱۶.

خمینی ارسال نمود که در متن آن آمده است:

حضرت مستطاب آیت الله آقای خمینی - دامت برکاته - تبعید آن جناب موجب تأثرات عمیق حقیر و جامعه روحانیت و حوزه علمیه و ملت مسلمان گشته به طوری که قلم عاجز از شرح آن است. انتظار می رود دولت ترکیه مقدم مهمان عالیقدر خود را که یکی از مراجع و شخصیت های بزرگ اسلامی می باشند محترم شمرده و با تجلیل و تکریم حضرتش نام خود را در ردیف علاقه مندان به علم و تقوا سربلند نماید.^۱

آن مرجع بزرگوار همچنان در خصوص حق قضاوت کنسولی و تبعید امام به ترکیه اعتراض می کرد و به افشاگری های خویش در این باره ادامه می داد. در اعلامیه های ایشان که نمونه هایی از آن به دست ساواک افتاده بود، این اعتراضات و انزجارها به خوبی دیده می شود:

آیا شرم آور نیست که یکی از مراجع شیعه را به جرم اعتراض به تصویب بعضی از لوایح غیر شرعی و غیر قانونی از مملکت خود خارج کنند؟ آیا ننگ نیست که اجانب مصون باشند و آیت الله خمینی را به بیگانگان بسپارند؟ من از تبعید معظم له بسیار ناراحتم. من دیگر دقیقه شماری می کنم تا کی از این زندگی ننگین توأم با اسارت مستخلص شوم.^۲

در یکی از گزارش های ساواک می خوانیم:

نامبرده [آیت الله نجفی مرعشی] در ۱۳۴۳/۹/۷ به مناسبت شروع درس طلاب علوم دینی قم، در مسجد بالاسر به منبر رفته، ضمن بیانات خود اظهار داشته که روحانیت پشتیبان استقلال مملکت می باشد. ضمناً در مورد تبعید آیت الله خمینی و دستگیری فرزند وی [سید مصطفی خمینی] اظهار تأسف نمود و گفته است: «در هیچ جای دنیا بدین وضع از روحانیت هتک حرمت

۱. آیت الله مرعشی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۳۷۲ - ۳۷۱.

۲. ضمیمه سند شماره ۱۷۶۵ ت س / ۱۳۴۳/۹/۲؛ همان، ج ۱، ص ۳۹۲ - ۳۹۱.

نمی‌شود. روزنامه‌ها به روحانیت آزادانه اهانت می‌کنند^۱...».

در این بیانات مفصل، آیت الله مرعشی به دفاع از تلاش‌های روحانیت در حمایت از احکام الهی و قرآن و حفظ استقلال ایران پرداخت و سپس اهتمام برخی مشاهیر علما را در حفظ استقلال ایران متذکر گردید. ایشان سپس افزودند که امام خمینی هم در این راستا گام برداشته که کارگزاران حکومتی ایشان را دستگیر و تبعید نموده‌اند و خاطرنشان ساختند که وقتی یکی از ما را گرفتار می‌سازید، گویی همه را مبتلا ساخته‌اید:

من هم الان محبوسم؛ فرقی ندارد. حبس اقسامی دارد؛ حبسی که یک کلمه نتوانیم حرف بزنیم، یک قلم روی کاغذ نگذاریم، دائماً تحت مراقبت باشیم، این چه آزادی‌ای است؟ حبس، دیگر بالاتر از این شما می‌خواهید...؟ نسبت به ساحت قدس علمای اعلام یک قدری رعایت ادب بکنید! جسارت نکنید^۲!...

ادامه موضوع‌گیری‌ها و مقاومت‌ها

شاه که از تبعید امام به کشور ترکیه و ایجاد رعب و هراس در میان مردم مسلمان، محصولی جز ادامه اعتراضات به دست نیاورده بود، برای کم رنگ نمودن مخالفت‌های علما و مردم، در سوم مهرماه ۱۳۴۴ / ۹ جمادی الثانی ۱۳۸۵ قمری امام و فرزندشان را به عراق انتقال داد.

آیت الله مرعشی، در همان ایام، تلگراف‌هایی را به مراجع طراز اول عراق، آیات عظام حکیم، شاهرودی و خویی، ارسال نمود و ضمن اشاره به انتقال امام به نجف اشرف از مواضع بر حق آن رهبر فرزانه انقلاب حمایت کرد و عدم مسامحه علمای اعلام با استبداد و اجانب را یادآور گردید^۳.

۱. همان، ص ۳۹۹.

۲. همان، ص ۴۴۸ - ۴۳۷.

۳. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۲۳۹ - ۲۳۷.

حاج آقا مصطفی خمینی که به موضع‌گیری‌های مثبت ایشان توجه داشت، از معظم له خواست که در غیاب امام، هدایت افکار روحانیون و نیز اقشار مردم را عهده‌دار گردد.^۱ بین آیت الله مرعشی و امام، در ایام تبعید ایشان در عراق، نیز مکاتبات متعددی صورت گرفت. در سند شماره ۲۱۲۸ / هـ / ۱۳۴۴ / ۸ / ۲۰ ساواک به این نامه‌ها اشاره شده است:

طبق اطلاع، نامه‌ای از آقا نجفی مرعشی برای آقای خمینی به وسیله آقازاده خود می‌فرستد و آقای خمینی از عراق نامه‌ای که حاکی از جواب نامه ایشان است به قم برای آقای نجفی ارسال می‌دارد و این جواب نامه را در قم عکس‌برداری کرده و به نام شهرستان‌ها فرستاده‌اند.^۲

امام خمینی در سوم آبان ۱۳۴۳ / ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۸۵ قمری نامه آیت الله مرعشی را طی مکتوبی پاسخ گفت که در آن آمده بود:

حضرت آیت الله آقای نجفی - دامت برکاته - به عرض می‌رساند مرقوم محترم به وسیله آقازاده محترم - ایده الله تعالی - واصل و موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است ... از جنابعالی، امید دعای خیر برای حسن عاقبت خواستار است.^۳

نخستین نماینده‌ای که از سوی مراجع تقلید ایران برای دیدار با امام وارد عراق گردید، از سوی آیت الله مرعشی بود. این مرجع آگاه، در دوران تبعید امام، تکیه‌گاه مبارزانی گشت که هر کدامشان پناهگاه هزاران نفر از اقشار مردم بودند و از آن زمان تا پیروزی انقلاب اسلامی با ایراد سخنرانی، انتشار اعلامیه و اعلام مواضع به مقاومت‌های مردم شور و نشاط بخشید.^۴ در روز نهم فروردین ۱۳۴۶

۱. مرزبان حماسه‌ها، ص ۱۳۰.

۲. آیت الله مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۵۱۶.

۳. صحیفه امام، ج ۲، ص ۲.

۴. بر ستیغ نور، علی رفیعی، ص ۵۶ - ۵۵؛ مرزبان حماسه‌ها، ص ۲۲ - ۲۱.

آیت الله نجفی در مسجد موزه قم و در حضور صدها نفر از طلاب از برخی مصوبات رژیم پهلوی، از جمله لایحه حمایت از خانواده و طرح امتحان طلاب، به شدت انتقاد کرد و خاطر نشان ساخت:

اگر قرآن و قوانین اسلام فرقی نکرده است، پس این لوایح که مخالف قوانین قرآن است چیست...؟ چرا این قدر قلوب روحانیت را جریحه دار می‌سازید؟ اگر شما نماینده مردم هستید که به خدا مردم راضی به چنین قوانین [لایحه حمایت از خانواده] نیستند. مگر طلبه‌ها چکار کرده‌اند؟ چرا در کار آنها [امتحان طلاب] دخالت می‌کنید...؟ اگر حرفی بزنیم می‌گویید آشوبگرید، اگر هم حرفی نزنیم دین از دست می‌رود و بدانید که مریضی من از همین ناراحتی پیدا شد. من صلاح نمی‌دانم که شما طلاب برای امتحان [که اداره فرهنگ برگزار می‌کند] نام‌نویسی کنید. خدایا به حق حضرت معصومه ما را خودت حفظ فرما! اینهایی که قصد خیانت به اسلام دارند نابودشان کن! خدایا تمام علما مخصوصاً آیت الله خمینی را حفظ فرما.^۱

در سال ۱۹۶۷ م. رژیم غاصب صهیونیستی بر کشورهای اسلامی سوریه، اردن و مصر جنگی را تحمیل کرد و در این نبرد خونین عده‌ای از مسلمین را شهید یا آواره و زخمی نمود. آیت الله مرعشی از این وقایع ابراز تأسف نمود و دولت ایران را آماج حمله خود قرار داد که چرا از این رژیم سفاک حمایت می‌کند و اجازه نمی‌دهد مطبوعات ماجرا را به طور واقعی درج نمایند. همچنین ایشان افزودند که رادیو ایران که وابسته به رژیم پهلوی است، مطالب دروغ و بی اساس درباره کشورهای اسلامی درگیر جنگ انتشار می‌دهد، ولی آنچه را علیه اسرائیل غاصب است و واقعیت دارد نمی‌گوید.

ایشان در مسجد اعظم قم برای شهدای مسلمان جنگ اعراب و اسرائیل

۱. سند ۲۱ / ۹۶ - ۱۳۴۶۱ / ۱۴، آیت الله مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۶۲۴ - ۶۲۳ و نیز بنگرید به همان مأخذ ج ۲، ص ۱۰ و ۱۴ و ص ۹۳.

مجلس فاتحه‌ای ترتیب داد و حسابی را در بانک صادرات قم، برای کمک به بازماندگان مقتولین و زخمی شدگان مسلمان، افتتاح نمود و از عموم مؤمنین خواست که از هر گونه کمکی در این باره کوتاهی نکنند. آیت الله مرعشی مبالغ جمع آوری شده را برای شیخ نصرالله خلخالی (وکیل امام خمینی) در نجف ارسال نمود تا وی در اختیار سفیر اردن در عراق قرار دهد تا از طرف او بین آوارگان و آسیب‌دیدگان فلسطینی توزیع شود.^۱

آیت الله مرعشی طی نامه‌هایی که برای علمای شهرستان‌ها، از جمله علمای همدان نگاشت، از آنان خواست برای نفرت از اشغالگران و متجاوزان اسرائیلی از هر گونه اقدامی مضایقه نکنند.^۲

همچنین برابر گزارش ساواک، ایشان طی اعلامیه‌ای که آن را انتشار داد از علما، روحانیان و مردم خواست در سالروز میلاد حضرت رسول اکرم به مناسبت فجایع اخیر در خاورمیانه و کشتار مسلمین توسط اشغالگران قدس از هر گونه جشن و چراغانی خودداری کنند.^۳

رژیم پهلوی در سال ۱۳۴۷ تصمیم گرفت که دختران را در قالب فعالیت‌های آموزشی و اجتماعی به خدمت سربازی احضار کند. در دهم دی ماه این سال، اعلامیه‌ای در اعتراض به اعزام دوشیزگان به خدمت سربازی از طرف امام خمینی، نجفی مرعشی و قمی در نجف اشرف انتشار یافت. در این اعلامیه آمده است:

در سال ۱۳۴۵ طی اعلامیه‌ای به مردم ایران هشدار دادیم و گفتیم عاقبت این روشی که دولت ایران در پیش گرفته این است که دختران معصوم را به خدمت سربازی خواهند برد ولی کسی به حرف حق ما گوش نکرد تا اینکه

۱. همان، ج ۲، ص ۱۲۱ - ۳۴.

۲. همان، ص ۳۲.

۳. سند شماره ۳۱۶/۶۲۹ - ۱۳۴۶/۴/۵، همان، ج ۲، ص ۴۶.

امروز کار به جایی رسید که حرف ما ثابت شد و دوشیزگان مسلمان را تحت فشار قرار داده و به سربازی اعزام کرده و بدین وسیله به مردم باغیرت و متدین مسلمان هشدار داده و اعلام می‌کنیم کوشش نمایید و نگذارید دختران معصوم را تحت فشار قرار دهند. سعی کنید دست اجانب و اوباش و اراذل از دامان دختران مسلمان کوتاه شود...^۱

رژیم بعثی حاکم بر عراق به بهانه‌های واهی، ایرانیان ساکن در عراق را تحت فشار جدی قرار می‌داد و رفتارهای موهن و تحقیرآمیزی را درباره آنان اعمال می‌نمود. امام خمینی و سایر علما بر این حرکت وقیحانه معترض گردیدند و از استقلال، عزت و شئون مسلمانان ایران حمایت کردند. این وضع وقتی به استحضار آیت الله مرعشی رسید، ایشان به شدت آشفته شدند.

بنا به گزارش ساواک، ایشان ضمن ابراز ناراحتی در این باره گفت:

بعثی[ها] مردمان بسیار بدی هستند و دشمنی و عناد را به حد کمال رسانیده‌اند و چون از مرام کمونیستی تبعیت می‌نمایند، اسباب زحمت برای شیعیان فراهم ساخته‌اند و امیدوارم با متانت و نجات ایرانیان و دعای خیر و همچنین ثبات سیاسی مملکت، این ناراحتی برطرف شود.^۲

همچنین، ایشان در ملاقات با عده‌ای از علما و روحانیان درباره حوادث اخیر عراق و اهانت مأموران این کشور به آیت الله حکیم مطالبی را اظهار نمود و اضافه کرد که در حدود سیصد نفر از طلاب نجف، قصد ملاقات با این مرجع عالیقدر را داشته‌اند و می‌خواسته‌اند به محل اقامت آیت الله حکیم در کوفه بروند، ولی نیروهای امنیتی عراق به آنان حمله کرده و عده‌ای را دستیگر و زخمی کرده و برخی نیز کشته شده‌اند. در خاتمه، آیت الله مرعشی گفته بود اگر این وضع ادامه یابد، همه علمای حوزه قم دعوت‌نامه‌ای را امضا می‌نماییم و در آن از ایشان

۱. سند شماره ۹/۱۶۱۹۷ هـ/۱۶/۱۰/۱۳۴۷، همان، ص ۳۴۷.

۲. سند شماره ۲۱/۱۵۵۸، ۲۸/۳/۱۳۴۱، همان، ص ۴۵۰.

می‌خواهیم برای رفع این اهانت‌ها به ایران بیاید.
ساواک از این پیشنهاد آیت الله مرعشی نجفی، نگران شده بود. در گزارشی آمده است:

عزیمت آقای حکیم جهت اقامت در ایران خالی از اشکال نیست، زیرا به دنبال این امر تعداد بی‌شماری از طلاب به حوزه قم روی خواهند آورد و موقعیت حوزه قم و روحانیت تا حدود زیادی مستحکم گردیده و کنترل فعالیت‌های اجتماعی با اشکالاتی مواجه خواهد شد.
در ادامه، نظریه امنیت داخلی چنین درج گردیده است:
مفاد گزارش منبع صحیح است. آیت الله نجفی قلباً تمایل دارد که [امام] خمینی به ایران بازگشت کند. دعوت از [آیت الله] حکیم دنباله انجام عزیمت [امام] خمینی است.^۱

در یکی از گزارش‌های ساواک می‌خوانیم:

موضوع: بیماری آیت الله نجفی مرعشی. از نامبرده بالا که اخیراً به علت بیماری در بیمارستان نکویی قم بستری گردیده، طبقات مختلف مردم عیادت به عمل می‌آورند و همچنین شایع کرده‌اند: از روزی که دخترها و پسرها در دبیرستان حکیم نظامی قم به جمع یکدیگر پیوسته‌اند و سپس رژه رفته‌اند آقا به این کسالت مبتلا شده است و از این بابت مردم ناراحت می‌باشند.^۲
نظریه ساواک درباره مخالفت مراجع تقلید با تأسیس سینما در قم نیز خواندنی است: ساعت ده صبح ۱۳۴۸/۸/۵ در حسینیه نجفی نامبرده فوق [آیت الله مرعشی] ضمن صحبت خصوصی اظهار داشت که آیت الله گلپایگانی، آقای [...] را خواسته و صریحاً اظهار نموده که به آقای خودتان [...] بگویند از تقرب به دولت [رژیم پهلوی] چه دیدی و عموم مردم از نزدیکی شما با

۱. سند شماره ۱۳۴۸/۳/۲۷/۲۱/۱۵۶۸، همان، ص ۴۴۶ و ۴۴۷.

۲. سند شماره ۲۰/۲۹۵۹۰ هـ س / ۱۳۴۷/۸/۲۰، همان، ص ۳۲۳.

شهابی که بر خرمن شیاطین حریق افکند / ۱۳۳

دولت مطلع شده‌اند. بیاید از امروز به بعد [از حمایت دولت استبدادی] دست بردارید و با من همکاری کنید، بلکه بساط سینمای قم را بهم بزنیم و الا به طلاب می‌گویند که بریزند درب خانه‌ات و تو را رسوا کنند.^۱

یادآور می‌شود سینمای دروازه طلایی قم واقع در خیابان امام کنونی در ۱۳۵۴/۲/۳۱ بر اثر آتش سوزی از بین رفت و صاحبش (علی بشارتیان) محل سینما را به آیت الله مرعشی فروخت تا ایشان آن را بعداً به صورت یک مرکز علمی و فرهنگی درآورد.^۲

شاه که احزابی چون مردم، ملیون و ایران نوین را به صورت دستوری تشکیل داده بود، در سال ۱۳۵۳ حزب رستاخیز را به عنوان تنها حزب قانونی کشور اعلام کرد و عضویت در آن را اجباری ساخت و دستور داد کسانی که با آن مخالف هستند ایران را ترک کنند. امام خمینی به محض تأسیس حزب رستاخیز آن را مخالف شرع شمرده، فتوا به حرمت عضویت در آن داد و اجبار مردم را به عضویت در آن نقض قانون اساسی دانست.

آیت الله مرعشی نجفی نیز به مخالفت با این تشکل طاغوتی برخاست و اعلام داشت که ما صرفاً یک رستاخیز داریم که همه به آن معتقدیم و آن هم روز رستاخیز و سرای جاوید است. در این موقع، شخصی روحانی که در محضر ایشان بود گفت: اشاعه داده‌اند هر کس به عضویت این حزب درنیاید چنانچه کاری در یکی از ادارات داشته باشد، آن را معلق و به تأخیر می‌اندازند. مرحوم مرعشی آن را فاقد صحت دانست و افزود: این صرفاً یک تهدید است و شما نپذیرید.^۳

در روز پنج‌شنبه ۱۵ خرداد ۱۳۵۴ و به مناسبت سالروز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ جمع

۱. سند شماره ۳۴۰۳ / ۲۱ - ۱۳۴۱/۸/۸.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۸۹ - ۱۸۸ و نیز ص ۲۰۴ و ۲۵۰.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۱۶ و ۱۱۷.

کثیری از مردم برای زیارت به قم آمدند و در این حال، مدرسه فیضیه مرکز تظاهرات ضد رژیم شد که تا روز بعد هم ادامه یافت. پس از آن، این مکان آموزشی و دینی به محاصره نیروهای امنیتی و ساواک درآمد و آب و برق و رفت و آمد به مدرسه قطع گردید. روز ۱۷ خرداد چند صد کماندو به کمک مأموران آمدند و خیابان‌های اصلی قم را به اشغال درآوردند. آنگاه با سرنیزه، چماق و باتوم به مدرسه ریختند و هجوم سال ۱۳۴۲ ش را تکرار کردند. حدود پانصد نفر را دستگیر و به زندان اوین انتقال داده و مورد شکنجه قرار دادند. دو روز بعد، روزنامه‌های رسمی وقت، به دستور ساواک، نوشتند که عوامل ارتجاع سیاه و سرخ در لباس روحانیت و با شعارهای کمونیستی آشوب پیا کرده بودند. امام با صدور اعلامیه‌ای حرکت اخیر طلاب را به قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ پیوند زد و نیرنگ کارگزاران استبداد را افشا ساخت.^۱

به دنبال دستگیری افراد مذکور آیات محترم گلپایگانی، مرعشی و ... از انجام نماز جماعت خودداری و در ۱۳۵۴/۳/۱۸ در منزل آیت الله شیخ مرتضی حائری درباره حوادث مزبور به تبادل نظر پرداختند.

آیت الله مرعشی به این مذاکرات اکتفا نکرد و در اعلامیه‌ای رسمی و نیز نامه‌ای که برای آیت الله میرزا احمد آشتیانی (ساکن تهران) ارسال داشت، ضمن محکوم کردن وقایع مورد اشاره، حقایق را افشا نمود. در اعلامیه ایشان آمده است:

حادثه مؤلمه و گرفتاری طلاب مدارس فیضیه و دارالشفاء، موجب کمال تأسف و تأثر است. روحانیت شیعه و حوزه علمیه قم با مرام کمونیستی و مادی‌گری به هیچ وجه سازش ندارد و طلاب بازداشت شده از مدرسه فیضیه و دارالشفاء، هیچ کدام وارد این مرام نیستند و آنچه در جراید نوشته شده صحیح نیست و تکذیب می‌شود.

۱. تاریخ سیاسی معاصر ایران، سید جلال الدین مدنی، ج ۲، ص ۲۲۳.

خلاصه نامه ایشان چنین است:

حادثه ناگوار حمله ناجوانمردانه به مدرسه فیضیه که منجر به خسارت زیاد و ضرب و شتم و هتک و دستگیری جماعتی از طلاب گردید، موجب تأسف عمیق اهل علم و جریحه دار شدن قلوب گردید. مفتریات و اکاذیب بعضی از جراید در مورد دستگیرشدگان جای بسی تأسف است.^۱

در عصر روز رحلت مشکوک آیت الله مصطفی خمینی در اول آبان ماه ۱۳۵۶ از طرف آیت الله گلپایگانی و مرعشی نجفی، با حضور هزاران نفر از طلاب و اقشار گوناگون مردم، در مسجد اعظم قم مجلس ترحیمی تشکیل گردید. همچنین، مرحوم مرعشی در این ارتباط تلگرام تسلیتی به محضر امام خمینی مخابره نمود.^۲

رژیم عنکبوتی پهلوی که بساط منحوس خود را در حال زوال می دید، برای مخدوش ساختن نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی، مقاله ای توهین آمیز با عنوان ارتجاع سرخ و سیاه در ایران، با امضای نام مستعار احمد رشیدی مطلق، در روزنامه اطلاعات به چاپ رسانید که خشم امت مسلمان و علما و مراجع را برانگیخت و منجر به قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم و گسترش نهضت اسلامی گردید. جمعیت معترض در قم، ساعت ۳ بعد از ظهر در منزل آیت الله مرعشی اجتماع نمود و ایشان در جمع حاضران گفت که من امام خمینی را بخوبی می شناسم و هشتاد سال است با هم دوست هستیم و ایشان با این حرف ها کوچک نمی شود. من اقداماتی انجام داده ام.^۳

حادثه سرکوب قیام خونین ۱۹ دی ۱۳۵۶ هم توسط ایشان طی اعلامیه ای محکوم گردید:

۱. آیت الله مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، ج ۳، ص ۱۳۱ - ۱۳۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۱۰ و ۳۱۴.

۳. همان، ص ۳۴۲ - ۳۴۱.

... با کمال تأثر پیش آمد ناگوار و اسفناک این چند روز در شهر مقدس قم که منجر به قتل و شتم و ضرب عده‌ای از طلاب و غیرهم که به دنبال اعتراض به پاره‌ای از مطبوعات که در آن به مقام شامخ روحانیت و مقدسات دینی و اهانت به حضرت آیت الله خمینی ... موجب تشنج افکار و جریحه‌دار شدن قلب مؤمنین، خاصه جامعه روحانیت گردید. لذا مصادر امور را مسئول این قضایا می‌دانیم و شدیداً معترض هستیم.^۱

همچنین ایشان ساعت ۱۰ صبح سه شنبه ۱۳۵۶/۱۱/۴ در مسجد بالاسر حرم مطهر قم برای تدریس حاضر گردید، اما قبل از شروع درس حوادث اخیر قم را محکوم نمود و ضمن تسلیت به بازماندگان شهدا و طلب مغفرت برای کشته‌شدگان اعلام کرد: چرا اینان به چنین سید جلیل القدری توهین می‌کنند؟ خدا می‌داند از وقتی این خبر را شنیده‌ام [تا] اکنون حالم مساعد نمی‌باشد.^۲

در ۱۳۵۶/۱۲/۲۳ اعلامیه مفصلی از طرف آیت الله مرعشی انتشار یافت که در آن ضمن تشکر از تمامی طبقات به دلیل دفاع از روحانیت، از وقایع تبریز اظهار تأسف شده بود و مصادر امور را در جنایات قم و تبریز مقصر دانسته بود و خواستار آزادی زندانیان بی‌گناه و بازگشت فضلا و مدرسین از تبعید شده بود.^۳

آیت الله مرعشی در اعلامیه‌های دیگر، رژیم پهلوی را به دلیل سرکوب قیام مردم کراراً و به شدت محکوم ساخت و به این امر معترض شد که چرا به خواسته‌های شرعی و قانونی جامعه روحانیت و ملت ایران توجهی نمی‌شود و تنفر و نارضایتی مردم افزایش داده می‌شود.^۴

در اعلامیه‌ای که امضای ایشان در ذیلش دیده می‌شود از اینکه رژیم بعثی

۱. این اعلامیه در دوم صفر المظفر ۱۳۹۸ صادر گردیده است (نک: همان، ص ۳۵۷).

۲. همان، ج ۳، ص ۳۸۲

۳. همان، ص ۴۳۳.

۴. همان، ص ۴۷۴.

عراق امام را تحت فشار قرار داده و ناچار به ترک این کشور نموده و دولت کویت هم از پذیرفتن ایشان امتناع نموده است ابراز نگرانی شده است.^۱ در هر حال، امام در اقدامی مهم برای ادامه هدف مقدس خویش، در ۱۴ مهر ۱۳۵۷ به سوی پاریس عزیمت نمود. دو روز بعد، وقتی آیت الله مرعشی از محل استقرار امام آگاهی یافت در تلگرافی که خطاب به امام خمینی ارسال کرد، یادآور شد:

از پیش آمد ناگوار نسبت به آن جناب که در اثر فشار حکومت عراق مجبور به ترک آن شده‌اید، فوق العاده متأثر هستم. از خداوند کفایت مهمات مسئلت می‌شود.^۲

همچنین در تلگرافی خطاب به رییس جمهور وقت فرانسه تأکید کرد:

میهمان محترمی به آن جناب و ملت فرانسه وارد شده و آن حضرت آیت الله خمینی [می‌باشد] که از نظر جامعه روحانیت شیعه و ملت مسلمان... [از] احترام خاصی برخوردارند. لذا عالم روحانیت رجاء واثق دارد که حضرتعالی و ملت فرانسه میهمان‌نوازی را به حد اعلیٰ به مرتبه کمال برسانید.^۳

معظم له برای ارج نهادن به حرکت و هدف امام و اعلام مخالفت عملی با اقدامات دولت وقت ایران، عراق و کویت، فرزندشان را به عنوان نماینده و حامل نامه خود و سایر مراجع به حضور امام به پاریس اعزام کردند.^۴

به محض پیروزی انقلاب اسلامی ایشان اعلامیه مهمی خطاب به ملت ایران صادر کرد و در آن نکات مهمی را خطاب به نیروهایی که امور کشور را به دست گرفته بودند، گوشزد نمود. در دوران پس از استقرار نظام اسلامی، جنگ تحمیلی

۱. همان، ص ۵۸۹ - ۵۸۸.

۲. اسناد انقلاب اسلامی، ج اول، ص ۵۳۷.

۳. مرزبان حماسه‌ها، بخش اسناد، سند شماره ۶۵.

۴. روزنامه کیهان، ۱۸ مهر ۱۳۵۷.

و بحران‌های گوناگونی که جمهوری اسلامی را به چالش وامی‌داشت یار و یاور و پشت و پناه نظام، رهبری و انقلاب اسلامی بود.^۱

بر نتابیدن استقامت و محبوبیت مقام مرجعیت

از گزارش‌ها و مدارک ساواک چنین استنباط می‌شود که صفت برجسته آیت‌الله مرعشی شجاعت است و از خودگذشتگی و مقاومت ایشان در برابر خلاف‌های رژیم پهلوی مردم را متوجه ایشان کرده است.^۲

در یکی از اسناد سازمان امنیت مخوف رژیم پهلوی، بدرقه از آیت‌الله مرعشی چنین گزارش شده است:

صبح روز جمعه ۱۳۴۱/۱۰/۲۸ عده زیادی، جهت بدرقه آیت‌الله مرعشی (از تهران به قم) به شاه عبدالعظیم آمده بودند و جمعیت به قدری بود که آیت‌الله از شدت ازدحام حالشان بهم خورد و قطره قلب برایشان گرفتند. با این حال، در موقعی که آیت‌الله می‌خواستند به صحن حضرت عبدالعظیم برای زیارت بروند گفتند به پلیس بگویند با جمعیت کاری نداشته باشند. نگهدارنده من خداست. نزدیک من مأمور نگذارند.^۳

همچنین، در تلگراف ۱۳۴۱/۱۰/۳۰ ساواک با شماره ۸۱۱۲۹ می‌خوانیم:

ساعت هفده روز ۱۳۴۱/۱۰/۲۸ آیت‌الله نجفی که در بیمارستان فیروزآبادی بستری بودند، در حالی که ششصد دستگاه اتومبیل ایشان را بدرقه می‌کردند و چندین ده هزار نفر جمعیت مسیر ایشان را استقبال می‌نمودند وارد قم شدند. در خیابان آستانه در میان جمعیت پیاده شده به حرم مطهر وارد و از آنجا به منزل رفتند. در مسیر ایشان طاق نصرت زده شده بود و کسبه، دکاکین را چراغانی و چندین رأس گاو و گوسفند قربانی کردند.^۴

۱. آیت‌الله مرعشی نجفی، مجید ملامحمدی، ص ۶۲ - ۶۱.

۲. آیت‌الله مرعشی نجفی به روایت اسناد ساواک، ج اول، ص ۲۲۸ و ۲۸۹.

۳. همان، ص ۵۱.

۴. همان، ص ۵۲.

از سوی دیگر ساواک تصریح می‌نماید که آیت الله مرعشی در مخالفت با دستگاه شاهنشاهی کوچکترین کوتاهی نمی‌نماید و در تقویت نیروهای مخالف نظام بسیار تأثیرگذار است.^۱

این ابهت معنوی، صلابت روحانی و نفوذ مردمی برای عوامل رژیم استبدادی غیر قابل تحمل گردید به همین دلیل از راه‌های گوناگون کوشیدند موقعیت فوق العاده ایشان را تضعیف کنند. اصولاً هراس ساواک از اقدامات وی در گزارش‌های مأموران امنیتی کاملاً مشهود است و از این روی در صدد بودند به ایشان ضربه بزنند:

فعالیت آیت‌الله نجفی مرعشی به طور محسوس افزایش یافته... به مشارالیه توجه داده شود که ادامه رویه که در پیش گرفته عواقب وخیمی برای او در برخواهد داشت.^۲

یکی از نقشه‌های خفاشان شب‌پرست که توان تحمل نورافشانی شهاب را ندارند این است که به نشر اکاذیب و افترا روی آوردند؛ از جمله آنکه اشاعه دادند آیت‌الله مرعشی از لایحه حمایت خانواده حمایت کرده است که کذب محض بود.

نظریه ساواک در خصوص جمع‌آوری پول جهت آوارگان مسلمان در جنگ اسرائیل با کشورهای عربی از نقشه‌ای علیه آیت الله مرعشی خبر می‌دهد: چنانچه در این زمینه مقاله‌ای در روزنامه‌ها درج شده و در آن قید گردد که عده‌ای از طبقات مختلف خواستار شده‌اند نحوه مصرف وجوه جمع‌آوری شده در اختیارشان گذاشته شود و در این مورد از آقای نجفی بخواهند برای روشن شدن اذهان عمومی پاسخ دهد تا به درج آن نیز مبادرت شود، این کار

۱. همان، ص ۱۷۳، ۲۰۴، ۲۸۸ و ۲۸۹.

۲. همان، ج ۲، ص ۶۱ و ۶۹.

دو اثر خواهد داشت. اول اینکه مردم را وادار می‌سازد دربارهٔ مصرف پول تحقیق نمایند و ثانیاً آقای نجفی را در برابر موضوعی قرار می‌دهد که یا باید سکوت کند و یا جواب دهد. اگر سکوت کند و سوسه در مردم ایجاد می‌شود که چرا وی پاسخی نداده و اگر جواب بدهد مسلماً مطابق با حقیقت نخواهد بود و در نتیجه منجر به رسوایی وی خواهد شد و تا اندازه‌ای از اعتماد مردم نسبت به وی خواهد کاست.^۱

همهٔ اینها در حالی است که سفیر کبیر اردن از کمک‌های ارسالی توسط آیت الله مرعشی تشکر نموده بود و متن نامهٔ ایشان خطاب به آن مرجع مبارز در روزنامهٔ الجمهوریة به ش ۱۳۸۵ و نشریة المنار به شماره ۳۹۱۵ درج شده بود و ضمن اعلام وصول پتوهای اهدایی از طرف آیت الله مرعشی (که از مبالغ جمع‌آوری شده تهیه گردیده و تحویل ایشان داده شده بود) از زحمات شیخ نصرالله خلخالی که واسطهٔ تحویل اجناس مزبور بوده، سپاسگزاری شده بود. ساواک در گزارش ۱۳۴۶/۹/۲۹ ش ۲۱/۳۲۸۵ به این تقدیرنامه اشاره دارد.^۲

گزارش دیگری حاکی است که ساواک نامه‌ای به دروغ از طرف افرادی خطاب به آیت الله مرعشی، برای ایشان فرستاده که طی آن گفته شده است:

شما پول‌هایی را که برای آوارگان جنگ اعراب و اسرائیل جمع‌آوری کردید [به] وسیلهٔ چه کسی و چه مقامی به آنان تسلیم نمودید. ما این بار مواظب هستیم تا وجوه جمع‌آوری شده [برای زلزله‌زدگان استان خراسان] به سرنوشت مرحلهٔ قبلی دچار نشود. [ما] این موضوع را به اطلاع مردم می‌رسانیم.

در گزارش ساواک آمده است که آیت الله نجفی از اینکه وجوه شرعی را به وی پرداخت نمی‌کنند، ناراحت است و نیز در ادامه گفته شده است:

۱. همان، ص ۹۷.

۲. همان، ص ۱۳۷ و نیز بنگرید به متن کامل نامهٔ سفیر اردن خطاب به آیت الله مرعشی و بیانیهٔ جراید کشور عراق در این باره مندرج در مأخذ قبل، ج ۲، ص ۱۴۳ - ۱۴۲.

ارسال نامه مزبور به عنوان [آیت الله] نجفی از نتایج اقداماتی است که قبلاً به منظور تضعیف وی به عمل آمده و به نحو غیر محسوس توسط همکاران شایع گردیده که آیت الله نجفی وجوهی که جهت آوارگان عرب جمع‌آوری نموده، به مصارف شخصی رسانیده است!

نظریه:

اصح است به منظور تضعیف بیش از پیش آیت الله نجفی، به نحو غیر محسوس، شایع شود مشارالیه وجوه جمع‌آوری شده را به مصارف خصوصی و رفاه افراد خانواده خود می‌رساند و به موازات آن با نزدیکی به شخص موصوف، نسبت به جلب همکاریش اقدام شود.^۱

و همچنین، سند دیگری از ساواک در این باره (نامه ساواک قم به مدیریت اداره کل سوم ساواک در ۱۳۴۶/۱۲/۳):

درباره آیت الله مرعشی نجفی، به منظور تضعیف موقعیت و از بین بردن وجهه مشارالیه، طرح تضعیفی تهیه و تقدیم گردد و در امریه معطوفی ابلاغ گردیده تسهیلاتی جهت مشارالیه در مورد ساختن کتابخانه فراهم گردد تا بتوان از وجود وی استفاده نمود. با عرض اینکه او امر صادره یکی در جهت تضعیف نامبرده و دیگری مربوط به تسهیل امور کتابخانه می‌باشد.^۲

ساواک قم در نامه‌ای دیگر خطاب به ساواک مرکز در ۱۳۴۷/۱/۱۲ به نقشه دیگری برای مخدودش نمودن موقعیت آیت الله مرعشی اشاره دارد:

با در نظر گرفتن اینکه اعتبار روحانیون، مخصوصاً مراجع درجه اول، از یک نقطه نظر مربوط به محل و مسجدی است که در آن نماز می‌گذارند و آیت الله مرعشی در صحن مطهر حضرت معصومه اقامه جماعت می‌کند، گرفتن این محل از او و به عبارت دیگر مانع شدن از برگزاری نماز جماعت او در صحن مطهر، بر اعتبار روحانی او ضربه سختی وارد می‌سازد. چون صحن،

۱. مأخذ قبل، ج ۲، ص ۲۸۰ - ۲۷۹.

۲. همان، ص ۲۰۹ - ۲۰۸ و نیز بنگرید به سند ۲۱/۳۶۴۳ - ۱۳۴۹/۱۰/۱۴، همان، ص ۵۷۴.

مرکز ایاب و ذهاب زوار و مسافرینی است که از شهرهای مختلف به قم وارد می‌شوند و شرکت این زوار در نماز جماعت وی، بر اعتبار او افزوده و از این رهگذر، بهره‌های معنوی و مادی [نصیب] او می‌گردد. لذا ممانعت از برگزاری نماز وی در صحن مطهر تضعیف او را خود به خود فراهم می‌آورد به این معنا که بایستی به این موضوع استناد نمود که در صف نماز جماعت شما اعلامیه‌های مضره که خلاف مصالح مملکت [است] توزیع می‌گردد و اگر لازم باشد اعلامیه‌ای هم در صف نماز جماعت پخش نمود و یا ضمن تماس با تولیت به عنوان تعمیر کف صحن، مقداری از مصالح از قبیل گچ و آجر و آهک در نقاط صحن ریخته شود و تحت این عنوان از او خواسته شود که برگزاری نماز با وضع فعلی تا خاتمه تعمیرات مقدور نیست. و یا با استفاده از احکام اسلامی مبنی بر اینکه نماز بر روی قبور کراهت دارد و همچنین فتوای یکی از مراجع دیگر دال بر تأیید موضوع، از برگزاری نماز وی جلوگیری گردد.^۱

وزارت دربار شاهنشاهی در نوروز سال ۱۳۴۹ جزوه‌ای حاوی شرح اولیای دین تهیه و جهت آیت الله مرعشی فرستاده است اما وی از دریافت آن خودداری کرده است. این برنامه ساواک را چنان ناراحت کرد که به ساواک قم ابلاغ نمود که محدودیت‌هایی برای تضعیف او به اجرا بگذارد. در ادامه گزارش آمده است: تنها موضوعی که در تحکیم موقعیت نجفی کمک می‌کند برگزاری نماز جماعت در اعیاد مذهبی در صحن مطهر قم می‌باشد. در نظر است از طریق تولیت آستانه قم با نجفی ملاقات و ضمن اشاره به اقدام ناصواب وی در مورد رد کتاب، تفهیم گردد چنانچه مقامات مسئول تصمیمی علیه مشارالیه اتخاذ نمایند مثلاً وی را ملزم به عدم برگزاری نماز جماعت در صحن مطهر کنند، ناگزیر خواهد بود اجرا نماید. بنابراین بهتر است در زمینه اعمال و رفتار خود تجدید نظر کند.^۲

۱. همان، ج ۲، ص ۵۷۷ و نیز نک: همان، ص ۵۷۹.

۲. نامه شماره ۳۱۶/۳۵۳۶ - ۱۳۴۹/۸/۱۰، همان، ج ۲، ص ۵۶۳.

در نامه اداره کل سوم (تهران) به ریاست ساواک قم اخطار گردیده است:
درباره آیت الله مرعشی نجفی، با توجه به اینکه اقدامات نامبرده علناً
مخالف با مصالح عالیة کشور تلقی می‌گردد، علی هذا، ضمن ملاقات با
نامبرده و تفهیم مراتب فوق، چنانچه دلایل قانع‌کننده‌ای ارائه ننمود بایستی به
نحو مقتضی جبران عمل خود را بنماید و نتیجه اقدامات معموله را اعلام
نمایند تا به عرض برسد.^۱

و در پایان، گزارش ۱۳۴۹/۱۰/۲۲ ساواک را می‌خوانیم:

درباره آیت الله مرعشی. مشارالیه از روحانیون مخالف دولت می‌باشد، به
طوری که استحضار دارند، یاد شده در سال جاری از گرفتن جزوات اهدایی
وزارت دربار شاهنشاهی امتناع نموده که مقدر گردید برای یاد شده نیز
محدودیت‌هایی فراهم شود. ساواک قم اعلام می‌دارد به منظور آگاهی از
فعالیت‌های یاد شده، ابتدا با انتخاب و اجاره ساختمانی در حوالی منزل وی،
نسبت به نصب فرستنده در داخل هدف، اقدام گردد.